

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۴ اپریل ۲۰۲۱

یک حادثه، صدها تحلیل و تفسیر و چشم‌انداز نگران‌کننده!

امروزه سران و مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران به دروغ‌گوئی و پنهان‌کاری معروفند. به همین دلیل امروز هیچ انسان عاقلی سخنان این حکومت را باور نمی‌کند. اکنون انفجاری در نیروهای اتمی نظر روی داده است و هر کدام از سران و مقامات سیاسی و نظامی و رسانه‌های وابسته به حکومت آهنگ خود را می‌زنند و به همین دلیل هیچ‌کس به درستی نمی‌داند در این نیروگاه چه اتفاقی و یا فاجعه‌ای رخ داده است؟ اما در عین حال در پی این حادثه صدها تحلیل و تفسیر و چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای راه افتاده است. به این ترتیب بار دیگر، سران و مقامات سیاسی و نظامی اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش به همدیگر چنگ و دندان نشان می‌دهند.

این واقعه سران و مقامات جمهوری اسلامی را به شدت گیج و پریشان کرده است. فریدون عباسی رئیس کمیسیون انرژی مجلس در خصوص انفجار در سایت هسته‌ای نطنز گفت: «یک پست برق در سایت نطنز داریم که از آنجا برق به زیرزمین می‌رود که حدود ۴۰، ۵۰ متر زیر زمین است. آن محل زیرزمین و مستحکم ساخته شده تا حملات هوایی و راکتی نتواند این مکان را از بین ببرد.»

او افزود: «دشمن وقتی که ببیند وضعیت اینگونه است، اقدام به خرابکاری سایبری یا خرابکاری از طریق افراد و در تجهیزات خواهد کرد. این کار هم زمان می‌برد و ممکن است ۵ تا ۱۰ سال طول بکشد و تجهیزات معیوب ارسال کند، تا به تدریج از آن استفاده شود.»

عباسی گفت: «در این‌جا قسمت توزیع برق و کابلی که از قسمت دیگر می‌آید و مربوط به باتری‌هائی است که اگر برق قطع شود، آن‌ها را قطع کند.»

او خاطرنشان کرد: «طراحی دشمن خیلی قشنگ بوده. من علمی به قضیه نگاه می‌کنم. آن‌ها فکر کردند و متخصصان خود را به کار گرفتند و به گونه‌ای انفجار صورت گرفته است که هم آن سیستم توزیع برق آسیب ببیند و هم کابلی که از سوی باتری‌ها می‌آید. به این دلیل که ماشین سانتر فیوژن نباید برقی قطع شود.»

رئیس سابق سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی افزود: «در ماجرای فردو نیز که در سال ۹۱ رخ داد، برق را از ۴ کیلومتری قم یا ۳۰ کیلومتری فردو قطع کردند. دکل‌ها و کابل‌های برق را با مواد منفجره قطع کردند و نفوذی‌ها در داخل از قسمت‌هائی که دوربین نبوده، آن بخش باتری‌ها را منفجر کردند. یعنی هم‌زمان که برق قطع شد، باتری‌ها را هم قطع کردند.»

ساعاتی پس از این که علی اکبر صالحی، آنچه که «حادثه» در تاسیسات غنی سازی نطنز عنوان شده را به «تروریسم هسته» ای نسبت داد، اعلام شد، بهروز کمالوندی در جریان بازدید از نطنز دچار «سانحه» شده است. محسن رضائی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به «آتش سوزی دوباره در نطنز» و لزوم «سالم سازی» فضای امنیتی اشاره کرده و کانال ۱۳ تلویزیون اسرائیل نیز احتمال کاشت مواد انفجاری را مطرح می کند.

گزارش ها حاکی از آن است که رئیس سازمان انرژی اتمی و سخنگوی او بامداد یکشنبه به کاشان سفر کردند تا از نزدیک شرایط تاسیسات نطنز را بررسی کنند.

اما کمالوندی به دلیل نامعلومی از ارتفاع هفت متری سقوط کرده و به گفته رئیس دانشگاه علوم پزشکی کاشان از ناحیه میچ پا و سر دچار شکستگی می شود.



شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۰، شیخ حسن روحانی، رئیس جمهور ایران به مناسبت «روز ملی فناوری هسته ای»، از راه اندازی خط تولید سانتریفیوژهای جدید «IR-9» خبر داد. با این سانتریفیوژهای پیشرفته ایران می تواند غنی سازی اورانیوم را تسریع کند.

گازدهی زنجیره کامل ماشین سانتریفیوژ نیمه صنعتی IR6، گازدهی فاز اول ۳۰ ماشین زنجیره شاهد سانتریفیوژ IR6S با توان جداسازی؛ طراحی، ساخت و بهره برداری از ایستگاه تصفیه خوراک هگزا فلوراید اورانیوم در مجتمع غنی سازی نطنز، تجهیز و راه اندازی خط تولید ماشین های نسل جدید در مجتمع شهید احمدی روشن و بهره برداری از مرکز ملی جداسازی و توسعه کاربرد ایزوتوپ های پایدار در فردو از جمله پروژه هایی هستند که بهره برداری و گشایش آن ها اعلام شد.

شیخ حسن در این مراسم که به صورت ویدئو کنفرانس برگزار می شد، گفت: «امروز یک زنجیره ۱۶۴ تایی آی آر ۶ افتتاح شد و این زنجیره به گونه ای است که نسبت به زنجیره قبلی ۱۰ برابر می تواند محصول در اختیار ما قرار دهد. یعنی سانتریفیوژهای قبلی حداکثر یک سو بودند و این سری جدید ۱۰ سو است.»

روحانی افزود: «امروز از لحاظ تکنولوژی به سانتریفیوژ «آی آر ۹» که ۵۰ سو است، رسیدیم یعنی ۵۰ تا ۶۰ برابر سانتریفیوژهای قدیمی محصول در اختیار ما قرار می دهد.»

خبر مونتاز سانتریفیوژهای پیشرفته در نطنز در حالی اعلام شد که مرکز مونتاز سانتریفیوژها در این سایت، تیرماه ۹۹ طی یک انفجار ویران شد. قبلا گفته شده بود که مرکز جدیدی در نطنز در زیرزمین ساخته می شود تا اتفاقی مشابه آن را تهدید نکند.

روحانی در آئین «افتتاح و رونمایی از ۱۳۳ دستاورد»، تاکید کرد که برنامه های اتمی ایران اهداف نظامی ندارد و گفت، ایران به پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای پایبند است. او طرح های هسته ای صلح آمیز را «حق مشروع» ایران خواند و یادآور شد که کشورش این طرح ها را بدون کمک خارجی پیش برده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تازه‌ترین گزارش خود از افزایش ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی شده ایران به ۵۷ کیلوگرم طی چهار ماه خبر داد، با این هشدار که به کمک سانتریفوژهای سریع‌تر، غلظت این ذخایر می‌تواند به ۶۰ درصد برسد.

روحانی گفت: «وظیفه آژانس این نیست که مرتب بازدید کند و گزارش بنویسد. یک کار مهم دیگر، حمایت و کمک فنی است. شما چه کمکی به ایران کردید؟»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در گزارشی که چهارشنبه ۳۱ مارس ۲۰۲۱ منتشر شد، تأیید کرده بود که گازدهی هگزا فلوراید اورانیوم طبیعی به چهارمین آبشار ۱۷۴ عددی IR-2M در سایت هسته‌ای نطنز شروع شده است. مدیرکل آژانس گفته بود که ایران می‌خواهد آبشار سانتریفوژی دیگری در نطنز نصب کند. او افزوده بود که نصب چهارمین آبشار انجام شده اما هنوز UF6 طبیعی به آن تزریق نشده است.

گروسی در مصاحبه با روزنامه المانی «زود دویچه» که اول فروردین منتشر شد، از افزایش فعالیت‌های هسته‌ای ایران به موازات توقف اجرای پروتکل الحاقی خبر داد و گفت: «برداشت من این است که ایران با این اقدام‌ها می‌خواهد فشار بر کشورهای غربی را افزایش دهد و به همین دلیل در این مرحله، بازرسی‌های آژانس را گروگان گرفته است.» یکشنبه ۲۲ فروردین، تنها یک روز پس از آن‌که جمهوری اسلامی ایران از راه‌اندازی سانتریفوژهای جدید غنی‌سازی اورانیوم در تاسیسات هسته‌ای نطنز خبر داده بود، مشکل در شبکه توزیع برق این تاسیسات سبب بروز یک «حادثه» شد.

فردای آن روز، روز یکشنبه ۱۱ اپریل ۲۰۲۱ - ۲۲ فروردین ۱۴۰۰ حمله به سیستم برق‌رسانی این تاسیسات صورت گرفت. حمله‌ای که علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی هسته‌ای ایران از آن به عنوان «ترویسیم هسته‌ای» یاد کرده است.

حادثه در بخشی از شبکه توزیع برق تاسیسات غنی‌سازی نطنز در حالی رخ داده است که روز شنبه در پانزدهمین بزرگداشت روز ملی فناوری هسته‌ای، با دستور رئیس‌جمهور مرکز مونتاژ سانتریفوژهای پیشرفته نطنز افتتاح شد و گازدهی به ماشین‌های نسل جدید سانتریفوژ و تست مکانیکی سانتریفوژ IR-۹ آغاز شد. مرکزی که گفته می‌شود پس از تخریب زیرساخت‌های آن در حادثه ۱۲ تیرماه سال ۹۹ یکبار دیگر بازسازی و آماده بهره‌برداری شده است.

تابستان سال گذشته بود که بهروز کمالوندی سخنگوی آژانس انرژی اتمی کشور، از وقوع حادثه‌ای در کارخانه غنی‌سازی سوخت اتمی نطنز در استان اصفهان خبر داد و گفت: «یکی از سوله‌های در دست احداث در محوطه باز سایت نطنز دچار آسیب» شده است. یک روز پس از این حادثه شورای عالی امنیت ملی ایران از آسیب «قابل‌توجه» به تاسیسات بر اثر انفجار خبر داد و تأکید کرد که به‌خاطر «ملاحظات امنیتی» جزئیات انفجار و علت آن را «در زمان مناسب» اعلام خواهد کرد. پنج روز بعد سایت نوریوز نزدیک به شورای عالی امنیت ملی، در گزارشی با محوریت حادثه نطنز به ۱۰ پرسش درباره این حادثه پاسخ داد و برعمدی بودن این حادثه مهر تأیید زد و حتی احتمال داشت «رژیم صهیونیستی» در انفجار در یکی از سوله‌های در دست احداث سایت نطنز را مطرح کرد. در گزارش مذکور آمده بود که تشابه زیادی بین حادثه نطنز و ترور سردار سلیمانی وجود دارد و با توجه به حجم تخریب احتمال عمدی بودن حادثه تقویت می‌شود.

گزارش نوریوز در شرایطی منتشر شد که پیش از آن تمامی خبرها حاکی از خرابکاری در این سایت هسته‌ای بود و حتی برخی گزارش‌ها از نقش اسرائیل در این ماجرا با نصب ویروس «استاکس‌نت» در سامانه نرم‌افزاری تاسیسات هسته‌ای نطنز و حادثه روز ششم تیرماه در منطقه پارچین واقع در شرق تهران حکایت می‌کرد. حادثه‌ای که در سایه

انفجار نطنز گم شد و دلیل اصلی و عوامل آن به‌طور دقیق اعلام نشد. هرچند خبرها و گزارش‌های غیررسمی مدعی انفجار در انبارهای راکتی محدوده پارک جنگلی خجیر در کوه‌های شرق تهران بودند، اما مقامات ایران در نهایت آن را انفجار ناشی از حادثه مخزن گاز در منطقه پارچین توصیف کردند. اما وقوع حادثه در کارخانه غنی‌سازی سوخت اتمی نطنز متفاوت بود و از همین‌رو اعلام احتمال خرابکاری در آن خبر مهمی بود. در ادامه بررسی‌ها نزدیک به یک ماه بعد از حادثه انفجار در سایت نطنز، بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی علت انفجار در تاسیسات هسته‌ای نطنز را به‌طور رسمی خرابکاری اعلام کرد. هرچند پیش از این نیز جواد کریمی‌قدوسی و مجتبی ذوالنوری دو عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس وقت و سایت نورنیوز نزدیک به شورای عالی امنیت ملی به نوعی خرابکاری در تاسیسات نطنز را تأیید کرده بودند، اما این اولین‌بار بود که یک مقام رسمی کشور خرابکاری در ماجرای انفجار بامداد پنج‌شنبه ۱۲ تیرماه در یکی از بخش‌های نطنز را تأیید می‌کرد. او که در تاریخ چهارم شهریور ۹۹ با شبکه العالم گفت‌وگو می‌کرد بر انفجاری بودن حادثه تأکید کرد. چند روز پس از آن هم او از شناسایی عوامل خرابکاری در حادثه نطنز توسط دستگاه‌های امنیتی خبر داد و گفت: موضوع در دست پیگیری است. در این بین یکی از نکات مهم سخنان مجتبی ذوالنوری، نماینده قم و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بود که با اشاره به ماجرای انفجار سایت هسته‌ای نطنز ضمن منتفی دانستن هر گونه حمله راکتی، پهبادی و راکتی به این تاسیسات، عناصر داخلی را منشأ این انفجار معرفی کرده بود. هرچند که این عوامل داخلی هیچ‌گاه معرفی نشدند. اما شنبه شب نزدیک به یک‌سال پس از حادثه نطنز، علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی در برنامه نگاه یک با اشاره به دستاوردهای هسته‌ای، به حادثه مذکور اشاره کرد و گفت: سالن مونتاژ سانتریفیوژ ما را دشمن منفجر کرد ولی باز نایستادیم و سالنی جدید ساختیم که در دل کوه و نزدیک نطنز است. در حال کار هستیم که سالن‌های حساس را به دل کوه ببریم و امیدواریم سالن‌های مورد نظر سال آینده در دل کوه آماده شود و این تاسیسات را به آنجا منتقل کنیم. صالحی در حالی شنبه شب از انتقال تاسیسات به دل کوه سخن گفت که پیش‌تر بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی پس از حادثه نطنز گفته بود تصمیمات لازم برای بازسازی سوله آسیب‌دیده مجتمع شهید احمدی روشن (نطنز) اتخاذ شده و قرار است سوله بزرگ‌تر و با تجهیزات پیشرفته‌تری در این مجتمع احداث شود. حالا در آستانه یک سالگی حادثه انفجار در نطنز این مکان کلیدی برای ایران دوباره با حادثه‌ای دیگر روبه‌رو شده است.

یک روز پس از اعلام راه‌اندازی دوباره «مرکز مونتاژ سانتریفیوژهای پیشرفته» نطنز، ایران از وقوع حادثه‌ای در بخشی از شبکه توزیع برق تاسیسات غنی‌سازی نطنز خبر داد. بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی ضمن اعلام این خبر تأکید کرد این حادثه صدمات انسانی و آلودگی به‌دنبال نداشته و علل حادثه در دست بررسی است. کمالوندی البته اطلاعاتی از آسیب به تجهیزات یا احتمال خرابکاری ارائه نکرد و گفت: «اطلاعات کافی در این زمینه وجود ندارد و باید بررسی‌های بیشتری صورت گیرد.»

در عین حال کمالوندی در بیمارستان بستری شده است. خبرگزاری ایرنا نوشت: «استفاده از کلاه ایمنی مانع بروز آسیب جدی به بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی در حادثه‌ای در مجتمع غنی‌سازی شهید احمدی روشن (نطنز) شد.»

ایرانا ادامه داد: «طبق بررسی‌های خبرنگار ما، کمالوندی روز یکشنبه حین بازدید از مجتمع غنی‌سازی شهید احمدی روشن از ارتفاع چند متری سقوط کرده و دچار شکستگی‌های سطحی از ناحیه پا و سر است.»

او پس از بروز حادثه به یکی از بیمارستان‌های کاشان منتقل شده و تحت مراقبت و درمان قرار گرفته است. منابع بیمارستانی گفتند: «در این حادثه آسیب جدی به سخنگوی سازمان انرژی اتمی وارد نشده اما باید ۴۸ ساعت تحت مراقبت باشد.»

سخنگوی سازمان انرژی اتمی روز یکشنبه به منظور بررسی یک حادثه «تروریستی هسته‌ای» به نطنز رفته بود تا پیامدهای وقوع حادثه در بخشی از شبکه توزیع برق تأسیسات غنی‌سازی را از نزدیک مشاهده کند. علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی نیز عصر یکشنبه با اشاره به حادثه مجتمع غنی‌سازی شهید احمدی روشن گفت: «اقدامی که علیه مرکز غنی‌سازی نطنز انجام شد، نشان دهنده شکست مخالفان پیشرفت‌های صنعتی و سیاسی کشور برای جلوگیری از توسعه چشمگیر صنعت هسته‌ای از یک سو و مذاکرات موفق برای رفع تحریم‌های ظالمانه است.»

رئیس سازمان انرژی اتمی تاکید کرد: «همچنین برای ناکام گذاشتن اهداف آمرین این حرکت تروریستی، جمهوری اسلامی ایران با جدیت، به گسترش فناوری هسته‌ای از یک سو و تلاش برای رفع تحریم‌های ظالمانه از سوی دیگر ادامه خواهد داد.»

با این حال علی‌اکبر صالحی اقدام علیه مرکز غنی‌سازی نطنز در جریان حادثه‌ای که بامداد دیروز رخ داد تأیید و آن را به عنوان ترورسیم هسته‌ای محکوم کرد. صالحی گفت که جمهوری اسلامی حق خود را برای اقدام علیه آمرین و عاملین و مباشرین محفوظ می‌داند.

با این حال مالک شریعتی‌نیاسر، نماینده تهران در مجلس، در تویتر خود با اشاره به حادثه نطنز گفت: «این اتفاق در سال‌گرد روز ملی فناوری هسته‌ای و در خلال تلاش ایران برای وادار کردن غربی‌ها به لغو تحریم‌ها بسیار مشکوک به خرابکاری و نفوذ است.» او همچنین از پیگیری ابعاد و جزئیات موضوع در مجلس خبر داد.

نماینده یزد در مجلس شورای اسلامی اختلال در شبکه برق در تأسیسات نطنز را با مذاکرات سه روزه کمیسیون مشترک برجام در وین که روز جمعه به پایان رسید مرتبط دانسته است.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، محمدصالح جوکار در نشست علنی روز یکشنبه مجلس در یک تذکر شفاهی خطاب به مذاکره کنندگان هسته‌ای گفت: «امروز دوباره شاهد حادثه‌ای در تأسیسات نطنز بودیم و همزمان تیم مذاکره کننده ما در وین در حال مذاکره است. باز اعتماد دیگر و باز ضربه و خیانتی دیگر!»

این نماینده مجلس درباره ارتباط مذاکرات کمیسیون مشترک برجام در وین با اختلال در شبکه توزیع برق تأسیسات نطنز که هنوز علت آن اعلام نشده توضیح بیشتری نداد.

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران حمله به تأسیسات نطنز را «دام مکارانه» اسرائیل خواند و نسبت به آن هشدار داد.

وزیر امور خارجه ایران هدف از این حمله را به شکست کشاندن مذاکرات بر سر لغو تحریم‌ها دانست و تاکید کرد که جمهوری اسلامی انتقام این اقدامات را از اسرائیل خواهد گرفت.

ظریف در عین حال خواستار «حفاظت مناسب از تأسیسات و دانشمندان هسته‌ای» شد.

محسن رضائی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی انفجار مجدد در تأسیسات نطنز را طی مدتی کمتر از یک سال نشانه «نفوذ» دانسته و خواستار «سالم‌سازی امنیتی» ایران شده بود.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران از خارج شدن شماری از سانتریفیوژها در اثر حمله به تأسیسات نطنز خبر داد.

سعید خطیبزاده، سخنگوی وزارت امور خارجه روز دوشنبه ۲۳ فروردین - ۱۲ اپریل در نشست خبری خود، اطلاعاتی درباره انفجار در تاسیسات هسته‌ای نطنز در اختیار خبرنگاران قرار داد.

خطیبزاده گفت: «سانتریفیوژهایی که دیروز در پی حادثه نطنز از مدار خارج شدند، از نوع IR1 بودند». سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد که جمهوری اسلامی این بخش از تاسیسات نطنز را با استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر راه‌اندازی خواهد کرد.

سعید خطیبزاده درباره انفجار در تاسیسات نطنز گفته است که این حمله «هیچ آسیب انسانی یا محیط زیستی» نداشته است.

سایت «نورنیوز» نزدیک به شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی ایران از فاش شدن هویت فردی که عامل قطع برق در نطنز بوده خبر داده است. این در حالی است که مسؤولان جمهوری اسلامی پیش از این از وقوع انفجار در این تاسیسات گفته بودند.

سایت «نورنیوز» به نقل از یک مقام مطلع در وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نوشته است: «هویت فردی که با ایجاد اختلال در سیستم برق مجتمع غنی‌سازی شهید احمدی‌روشن نطنز باعث قطع برق‌رسانی به یکی از سالن‌های این مجتمع شده بود، شناسائی شده است».

این سایت به نقل از همان منبع اطلاعاتی گفته است که اقدامات لازم برای دستگیری عامل اصلی اختلال در سامانه برق مجتمع نطنز آغاز شده است.

همین منبع خبری در ادامه گزارش خود نوشته است که گروه فنی جمهوری اسلامی موفق به مشخص کردن «چگونگی ایجاد اختلال در سیستم برق‌رسانی» شده است.

برخی رسانه‌های اسرائیل این حادثه را نتیجه یک حمله سایبری دانسته‌اند. از جمله جروزالم پست در گزارشی مدعی شده بر خلاف ادعای مقامات ایرانی، حادثه در نطنز اتفاقی نبوده بلکه نتیجه یک حمله سایبری «احتمالاً توسط اسرائیل» بوده، و خسارات بسیار بیش‌تر از آن است که توسط دولت ایران گزارش شده است.

در سال ۲۰۱۰، در حمله‌ای سایبری منتسب به اسرائیل به تاسیسات نطنز با ویروس استاکس‌نت، بیش از ۱۰۰۰ سانتریفیوژ نابود شدند.

در تیرماه سال گذشته نیز یک آتش‌سوزی گسترده در همین تاسیسات رخ داد که به گفته مقامات ایرانی، یک «اقدام خرابکارانه» علیه برنامه هسته‌ای این کشور بود.

دستور آغاز فعالیت سانتریفیوژهای پیشرفته در تاسیسات زیرزمینی نطنز که روز گذشته از سوی حسن روحانی صادر شد؛ نقض یکی دیگر از مفاد برجام بود در حالی که گفت‌وگوهای قدرت‌های جهانی با ایران برای از سرگیری رعایت تعهدات تهران تحت برجام و بازگشت احتمالی امریکا به آن توافق هسته‌ای در وین ادامه دارد.

گزارش‌هایی درباره نقش موساد در حمله به تاسیسات هسته‌ای نطنز از سوی رسانه‌های امریکائی و اسرائیلی منتشر شده است. «نیویورک تایمز» به نقل از منابع اطلاعاتی از وقوع انفجاری بزرگ در سامانه برق‌رسانی این تاسیسات خبر داده است.

روزنامه نیویورک تایمز به نقل از دو منبع اطلاعاتی امریکائی و اسرائیلی که هویت‌شان فاش نشده است، اعلام کرده که از کار افتادن بخش غنی‌سازی تاسیسات هسته‌ای نطنز به علت وقوع انفجاری مهیب در بخش برق‌رسانی این تاسیسات بوده است.

روزنامه نیویورک تایمز در گزارش خود نوشته است شدت آسیب دیدگی بخش برق رسانی به حدی بوده است که عملا فعالیت‌های هسته‌ای ایران در این مرکز را دست‌کم نه ماه به تعویق می‌اندازد.

ایران درباره علت وقوع این انفجار به طور شفاف اطلاع‌رسانی نکرده و تنها به گفتن این موضوع بسنده کرده است که تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

نیویورک تایمز به نقل از دو منبع اطلاعاتی امریکائی و اسرائیلی نوشته است که حمله توسط اسرائیل صورت گرفته است.

نیویورک تایمز در ادامه نوشته است روشن نیست که آیا حمله به نطنز با اطلاع دولت بایدن صورت گرفته یا اسرائیل مستقلا اقدام به چنین عملی کرده است.

این روزنامه در ادامه نوشته است که ناخشنودی اسرائیل از پیشبرد مذاکرات ناظر بر دستیابی به توافق با جمهوری اسلامی بر سر مناقشه هسته‌ای، موضوعی نیست که نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل و دیگر مقامات این کشور پنهان کرده باشند.

از سوی دیگر تأثیر این حمله بر مذاکرات هسته‌ای نیز روشن نیست. ایران اعلام کرده است که این حمله «بی‌پاسخ» نمی‌ماند، اما توضیح بیشتری درباره اقدامات احتمالی خود نداده است.

وقوع انفجاری در ۱۲ تیرماه سال گذشته نیز منجر به از کار افتادن مرکز مونتاژ سانتریفیوژهای پیشرفته نطنز شد.

در آن هنگام نیز رسانه‌های غربی مسئولیت آن حمله را برعهده اسرائیل دانسته بودند. نیویورک تایمز اشاره کرده که سیاست غالب اسرائیل در چنین مواردی نه تأیید و نه تکذیب خبر است.

با این وجود، مسؤولان اسرائیل بارها اعلام کرده‌اند که هیچ‌گاه به ایران اجازه تجهیز خود به جنگ‌افزارهای هسته‌ای را نخواهند داد.

نیویورک تایمز در همین رابطه به عملیات کشتن محسن‌فخری زاده و چند دانشمند هسته‌ای دیگر ایران توسط اسرائیل طی سالیان گذشته اشاره کرده است.

نیویورک تایمز در این گزارش به وضعیت دشوار جمهوری اسلامی اشاره کرده است. گزارشگر این روزنامه نوشته است در صورت آنکه ایران به این نتیجه برسد که مسئولیت این حمله با اسرائیل بوده است، با محاسبه‌ای دشوار برای انتخاب پاسخ خود به این اقدام روبه‌رو خواهد بود.

گفته شده بود که مرکز جدیدی در نطنز در زیر زمین ساخته شده تا اتفاقی مشابه حمله سال ۹۹ آن را تهدید نکند. برخی منابع خبری، از جمله روزنامه نیویورکتایمز برآورد کرده بودند که با حمله تیرماه گذشته و تخریب مرکز تولید سانتریفیوژهای پیشرفته در نطنز، برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی حدود دو سال عقب افتاده است.

هفته نامه فرانسوی «لوپوئن» نیز به نقل از «الی کارمون» پژوهش‌گر اسرائیلی در امور راهبردی و مبارزه با تروریسم نوشت که انفجار جدید در تأسیسات اتمی نطنز دو هدف داشته است: نخست، جلوگیری از پیشرفت برنامه اتمی رژیم ایران و دوم متقاعد کردن رهبران غربی که نباید تسلیم فشارهای تهران به ویژه در مذاکرات جاری وین شد.

به گزارش رادیو فرانسه، علی واعظ، سرپرست تحقیق در مؤسسه بین‌المللی «گروه بحران» از حمله اخیر به تأسیسات اتمی نطنز به عنوان سناریوی «بُرد-بُرد» برای اسرائیل یاد کرده و به خبرنگار «لوپوئن» گفته است: اگر حکومت ایران به دلیل ترس از منحرف شدن مذاکرات جاری وین در مقابل حمله به تأسیسات نطنز از خود واکنش نشان ندهد، این عملیات به اسرائیل اجازه می‌دهد که ضربه بی‌هزینه و ویرانگری را به آن‌ها وارد آورد. اما، اگر حکومت ایران به این حمله پاسخ بدهد، در این صورت مذاکرات جاری وین به خطر خواهد افتاد و اسرائیل به اهداف خود خواهد رسید.

لوپوئن در ادامه از انفجار تاسیسات نطنز به عنوان آخرین پرده از جنگی پنهان یاد کرده که میان اسرائیل و حکومت ایران جریان دارد و اکنون دامنه‌اش بعد از سوریه به دریاها نیز رسیده است.

«لوپوئن» تصریح کرده است که انفجار اخیر تاسیسات نطنز به هیچ‌وجه تصادفی نیست، زیرا، این حمله بیست و چهار ساعت پس از اعلام نصب سانتریفیوژهای نسل جدید در این محل صورت گرفت و درست در زمانی که امضاءکنندگان برجام در وین گفتگوهای خود را برای احیای این توافق از سرگرفته‌اند.

نخست وزیر اسرائیل در تازه‌ترین اظهارات خود درباره ایران، گفته است که بزرگ‌ترین وظیفه دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی این کشور مقابله با ایران است.

نتانیاهاو فیلمی از دیدار خود با مقام‌های موساد (سازمان اطلاعات و عملیات ویژه)، شین‌بت، (سازمان اطلاعات و امنیت داخلی)، و ارتش اسرائیل، را منتشر کرده که به افتخار هفتاد و سومین سالگرد استقلال کشورشان شراب می‌نوشند. او در متنی که برای این ویدیو نوشته، از تلاش‌های دستگاه‌های امنیتی و نظامی در مقابله با ایران تشکر کرده است.

آویو کوخاوی، رئیس ستاد ارتش اسرائیل نیز گفته است: «عملیات‌های ارتش اسرائیل در سرتاسر خاورمیانه از چشم دشمنان پنهان نیست. آن‌ها گام‌های خود را محتاطانه و با در نظر گرفتن اقدامات ما بر می‌دارند.»

همچنین رسانه‌های غربی طی روزهای اخیر نیز از سفر یوسی کوهن رئیس موساد به آمریکا با دستور کار مسائل هسته‌ای مربوط به ایران خبر داده‌اند و به نظر می‌رسد این سفر با چنین اقدامات تروریستی از ناحیه موساد بی‌ارتباط نیست.

در برخی گزارش‌ها، انفجار در پارچین در سال ۱۳۸۶ یکی از اولین خرابکاری‌هایی بود که به اسرائیل نسبت داده شد. اما برخی رسانه‌های آمریکایی می‌گویند با دستور باراک اوباما این‌گونه حملات از شش سال پیش یعنی یک سال قبل از توافق هسته‌ای با این کشور متوقف شد.

در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ چهار تن از دانشمندان هسته‌ای ایران ترور شدند. جمهوری اسلامی ایران اسرائیل را مسئول ترور مجید شهریاری، مصطفی احمدی روشن، مسعود علیمحمدی و داریوش رضائی‌نژاد معرفی کرد. در این دوران، فریدون عباسی دوانی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی هم مورد سوءقصد قرار گرفت که از حادثه جان سالم به در برد.

چندی پس از کشته شدن آخرین متخصص هسته‌ای ایران، دستگاه‌های امنیتی و قضائی ایران اعلام کردند مقصران این قتل‌ها که وابسته به اسرائیل بودند، دستگیر شده‌اند. صدا و سیما ایران، هم در مستندی به نام «کلوب ترور»، اعترافات ۱۲ متهم این پرونده را پخش کرد که بعدتر مشخص شد، زیر فشار و غیر واقعی بوده است.

فرد دیگری که منابع ایرانی معمولاً در فهرست دانشمندان هسته‌ای «شهید» ذکر می‌کنند، داریوش رضائی‌نژاد نام دارد که دانشجوی رشته برق بود و در مرداد ۱۳۹۰ به ضرب گلوله در تهران به قتل رسید.

استاکس‌نت یک بدافزار ساخت دولت‌های آمریکا و اسرائیل بود که در سال ۱۳۸۹ با آن به تاسیسات هسته‌ای ایران و به طور ویژه نیروگاه بوشهر حمله شد.

اما به مرور جزئیات مفصلی از این ویروس به رسانه‌ها درز کرد. بنابر گزارش مفصلی که سال گذشته وبسایت خبری «یاهو نیوز» منتشر کرد هدف این عملیات موسوم به «بازی‌های المپیک» نه تخریب برنامه اتمی ایران بلکه ضربه زدن به آن برای خریداری زمان و به نتیجه رسیدن تلاش‌های دیپلماتیک بود.

ادوارد اسنودن، کارمند سابق سازمان اطلاعات مرکزی امریکا که اسنادی زیادی را در رابطه با فعالیت‌های اطلاعاتی امریکا افشا کرده است، در مصاحبه‌ای با اشپیگل گفته بود این بدافزار با همکاری مشترک آژانس امنیت ملی ایالات متحده امریکا و اسرائیل ساخته شده است.

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران بعدها اعلام کردند این ویروس در نهایت نتوانست ضربه‌ای به ساختارهای اتمی وارد کند.

در مستند روز صفر، مایکل هیدن، رئیس سابق سیا نیز این موضوع را تاکید کرده است. کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اما در آن زمان از آلوده و معیوب‌شدن شمار قابل اعتنائی از سانتریفیوژهای تاسیسات نطنز و اخلاص محسوس در روند غنی‌سازی اورانیوم گزارش دادند.

چند ماه بعد از کشف استاکس‌نت یک وب‌سایت اسرائیلی گفت که ایران ممکن است چندین کارگر نطنز را دستگیر و اعدام کرده باشد با این گمان که به آلوده کردن دستگاه‌ها به استاکس‌نت کمک کرده باشند.

مقامات سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران از حسن تهرانی مقدم به عنوان بنیان‌گذار قدرت راکتی سپاه یاد می‌کنند. در ۲۱ آبان ۱۳۹۰ انفجاری بزرگ در زاغه مهمات سپاه پاسداران در شهرستان ملارد به کشته شدن دست‌کم ۱۷ نفر از جمله حسن تهرانی مقدم، رئیس سازمان جهاد خودکفائی سپاه منجر شد.

به گفته فرماندهان ارشد سپاه حسن تهرانی مقدم از پیشگامان و مهره‌های کلیدی در توسعه برنامه راکتی ایران بود. این انفجار به قدری بزرگ بود که صدا و لرزش آن در بیش‌تر نقاط تهران احساس شد. پس از این انفجار مسؤولان ایران حادثه را «تصادف» خواندند و امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، احتمال نقش داشتن اسرائیل در این انفجار را رد کرد.

با این حال، دو روز بعد از حادثه مجله امریکائی تایم به نقل از یک منبع امنیتی غربی مدعی شد که موساد، سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل، در این حادثه نقش داشته است. این منبع اضافه کرده بود که «نباید ادعاهای حکومت ایران مبنی بر تصادفی بودن این انفجار را باور کرد.»

این مقام امنیتی گفته بود «اقدامات خرابکارانه دیگری برای ضربه زدن به برنامه‌های هسته‌ای و راکتی ایران طراحی شده و به اجرا درخواهند آمد.»

سال ۱۳۹۵ هم رشته آتش‌سوزی‌های گسترده در صنایع پتروشیمی ایران ظن حملات سایبری را افزایش داد؛ هرچند هیچ‌گاه رسماً تأیید نشد. مقام‌های جمهوری اسلامی ایران دلیل آن حوادث را فرسوده بودن تاسیسات و گرمای هوا اعلام کردند.

تیر ماه سال ۱۳۹۵ پس از آنکه مجتمع پتروشیمی بندر ماهشهر نیز دچار آتش‌سوزی شد، خبرگزاری تسنیم اعلام کرد که آتش‌سوزی پتروشیمی بیستون، نهمین آتش‌سوزی صنعت پتروشیمی در آن سال بود.

در آن زمان غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشف «ویروس‌های غیرفعال» در چند مجتمع پتروشیمی را تأیید کرد. خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران هم در گزارشی از احتمال دست داشتن امریکا و اسرائیل در این آتش‌سوزی‌ها خبر داد. این آتش‌سوزی‌ها خسارت‌های مالی و تلفات جانی بر جا گذاشت.

خبرگزاری‌های داخلی در ایران اما بعدتر نام ۱۵ واحد پتروشیمی را منتشر کردند که در فاصله فروردین تا شهریور ۱۳۹۵ دچار حریق شده بودند. به نوشته سایت مشرق ظرف ۱۸۰ روز، ۱۵ حادثه در صنعت پتروشیمی ایران رخ داد که به طور متوسط یعنی هر ۱۲ روز یک حادثه.

برخی شبکه‌های نزدیک به کشورهای عربی این حوادث را به گروه‌های مخالف عرب در ایران نسبت دادند. اما همزمان گمانه‌زنی‌های قوی‌تری درباره دخالت اسرائیل در این حوادث مطرح شده بود.

پتروشیمی بوعلی سینا، مارون، بندر امام، تندگویان و ایلام از جمله واحدهایی بود که طعمه حریق شدند.

در سال ۱۳۹۷ حمید فتاحی، معاون وزیر ارتباطات و رئیس هیئت مدیره شرکت ارتباطات زیرساخت در توثیقی از «حملات پراکنده» به برخی زیرساخت‌های ارتباطی خبر داد و مدعی شد مبدا این حملات اسرائیل بوده است.

به گفته غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل ایران، این حملات سایبری با استفاده از نسل جدید ویروس «استاکسنت» به «چندین بخش» صورت گرفته بود.

محمود آذری جهرمی، وزیر ارتباطات ایران نیز با تأیید این حملات، هدف آن را صدمه زدن به زیرساخت‌های ارتباطی اعلام کرد. او در تویتر نوشت ایران این اقدام «خصمانه» را در مجامع بین‌المللی پیگیری خواهد کرد.

چند رشته انفجار و آتش‌سوزی در تأسیسات نظامی و صنعتی ایران در دو ماه گذشته، و به طور متمرکز در دو هفته اول تیرماه ۱۳۹۹ باعث تردیدهایی درباره علت تعدد این حوادث شده است.

نخستین حادثه مشکوک، سوم خرداد، در تأسیسات پتروشیمی در ساحل خلیج فارس رخ داد.

از اوایل تیرماه اما حوادث شدت بیشتری به خود گرفت. در روز پنجم تیرماه دو حادثه توجه‌ها را به خود جلب کرد: در ساعات پایانی پنجشنبه ساکنان شرق تهران نور و صدای شدید را گزارش کردند که تا چند کیلومتر قابل مشاهده شده بود. وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران گفت این صدا مربوط به انفجار یک مخزن گاز در منطقه عمومی پارچین بوده است. اما تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌داد که محل اصلی انفجار در خجیر است، جایی که بیش از ۲۰ کیلومتر با پارچین فاصله دارد و محل استقرار چند مرکز توسعه برنامه راکتی ایران است.

درست در همان روز، آتش‌سوزی در یک پست برق در شیراز، به قطع برق بخش‌های بزرگی از این شهر منجر شد و صدای آژیر خودروهای امدادی شهروندان را نگران کرد.

اگرچه انفجار خجیر، ظن احتمالی درباره عمدی بودن آتش‌سوزی‌های سریالی یکماه پیش از آن را تقویت کرد، اما اتفاق بعد، رسماً نام اسرائیل را به عنوان عامل احتمالی این حوادث سر زبان‌ها انداخت: انفجار تأسیسات هسته‌ای نطنز.

در ۱۲ تیرماه، انفجاری در تأسیسات هسته‌ای نطنز در یکی از ساختمان‌ها و سوله‌های مرکز مونتاژ سانتریفیوژهای ایران رخ داد.

روز بعد از انفجار نطنز، روزنامه امریکائی نیویورک تایمز در گزارشی مفصل به نقل از یک مقام اطلاعاتی در خاورمیانه جزئیات این حادثه را منتشر کرد و احتمال داد این «عملیات خرابکاری» کار اسرائیل باشد.

ایران در روزهای نخست انفجار در نطنز اعلام کرد حادثه کوچک بوده اما تصاویر ماهواره‌ای حاکی از آسیب و خسارت زیاد به یکی از ساختمان‌های مرکز مونتاژ سانتریفیوژها در نطنز بود.

چند روز بعد اما سازمان انرژی اتمی ایران در برآورد خود اعلام کرد حادثه‌ای که در تأسیسات ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته نطنز رخ داده «خسارت‌های مالی قابل توجهی» به جا گذاشته و ممکن است باعث کندی برنامه غنی‌سازی شود. بنابر ارزیابی‌ها برنامه هسته‌ای ایران با این عملیات یک تا دو سال به عقب افتاد.

کمی پیش از این عملیات گروهی با عنوان یوزپلنگان وطن نیز ایمیل‌هایی به چند خبرنگار از جمله در بی‌بی‌سی فارسی ارسال کردند و مسئولیت این حمله را پذیرفتند. رونن برگمن گفته است اگر اسرائیل را مسؤول این عملیات بدانیم، احتمالاً کارکرد ایمیل‌ها صرفاً اشاره به این نکته بوده که این انفجار اتفاق نبوده بلکه با برنامه قبلی بوده است.

انفجار در تاسیسات هسته‌ای نطنز نقطه پایان انفجار و آتش‌سوزی‌های سریالی نبود و دو روز بعد یعنی ۱۴ تیر ماه، دو حادثه جداگانه در دو نقطه خوزستان خبرساز شد.

ابتدا ساعت ۱۶:۴۵ دقیقه نشت کلر در پتروشیمی کارون ماهشهر ۷۰ نفر را مسموم کرد. ۴۵ دقیقه بعد دومین حادثه در نیروگاه حرارتی زرگان اهواز رخ داد. رئیس آتش‌نشانی محل، حادثه اهواز را «انفجار» خواند اما سخنگوی صنعت برق ایران آن را «آتش‌سوزی» توصیف کرد.

امریکا برای دریافت اطلاعات از ابو محمد المصری ۱۰ میلیون دالر جایزه گذاشته بود. روزنامه نیویورکتایمز نوشت اسرائیل به نیابت از امریکا این عملیات قتل هدفمند را انجام داده است.

مرداد ماه سال گذشته در خیابان پاسداران در شمال شهر تهران مردی به همراه یک زن با تیراندازی کشته شد. اواخر آبان ماه روزنامه نیویورکتایمز گزارش داد که فرد کشته شده ابو محمد المصری، مرد شماره دو القاعده و از مظنونان اصلی بمب‌گذاری‌های سفارت امریکا در کنیا و تانزانیا بوده است.

یک روز پس از این اتفاق، خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از چهار مقام کنونی و سابق امریکائی نوشت که امریکا و اسرائیل برای ردگیری و کشتن مرد شماره دو القاعده همکاری کرده بودند.

بر اساس این گزارش، امریکا اطلاعات مربوط به محل زندگی و نام مورد استفاده المصری در تهران را در اختیار اسرائیل گذاشت و کیدون، واحدی در داخل موساد این عملیات را اجرا کرد.

جمهوری اسلامی ایران حضور نفر دوم القاعده در این کشور را تکذیب کرد اما کمی بعد رسانه‌های غربی به نقل از القاعده کشته شدن نفر دوم رهبری این گروه در تهران را تأیید کردند. در این حادثه مریم، دختر ۲۷ ساله المصری نیز کشته شد.

نحوه کشته شدن این پدر و دختر در رسانه‌های ایران - که نیویورکتایمز هم آن را همین‌طور روایت کرده - به این صورت بوده است که دو موتور سوار مسلح به المصری و دخترش که در یک خودرو رنو ال-۹۰ بودند با یک اسلحه کمری مجهز به صدا خفه کن، پنج بار شلیک کرده‌اند. چهار گلوله به داخل خودرو رفت و گلوله پنجم به خودروئی که در مجاورت آنها بوده اصابت کرد.

بنابر گزارش‌ها، قتل المصری و دخترش همزمان با انفجارهای مرموز و «خرابکارانه» در تاسیسات اتمی نطنز و چند پایگاه نظامی دیگر در ایران روی داد.

آخرین موردی که شک دخالت اسرائیل در آن مطرح شده است، ترور محسن فخری‌زاده است. خبرگزاری فارس در توصیف این حادثه نوشت فخری‌زاده حوالی ساعت ۱۴:۰۰ با دو خودروی محافظ وارد شهر آبرسد شده است و «یک کیلومتر جلوتر از ورودی شهر آبرسد و نزدیک باغی معروف به باغ سرهنگ خودرو با رگبار متوقف می‌شود و پس از آن یک نیسان که پر از الوارهای چوبی بوده است منفجر می‌شود. بعد از انفجار تا شعاع ۵۰۰ متری خیابان پر از تکه‌های خودرو و چوب دیده شده و بر اثر انفجار آسیب به دکل برقی مجاور نیسان برق شهر آبرسد نیز قطع می‌شود.» در رسانه‌های ایران و شبکه‌های اجتماعی تصویر بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، دست به دست می‌شد که در نشست خبری خود برای افشاگری علیه برنامه هسته‌ای ایران، محسن فخری‌زاده را به عنوان مدیر پروژه آماد معرفی کرده و گفته بود که او به عنوان رئیس سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی (سپند) بسیاری از چهره‌های کلیدی برنامه هسته‌ای ایران را در مجموعه خود داشته است.

وزارت خارجه و مقام‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران، اسرائیل را متهم کرده‌اند و مقام‌های امنیتی وعده «انتقام» دادند.

اسرائیل به روال معمول دست داشتن در این عملیات را تأیید یا تکذیب نکرده است. اما نیویورک تایمز به نقل از سه مقام امنیتی نوشته که اسرائیل «پشت این حمله» بوده است.

جدال امنیتی ایران و اسرائیل موضوع پنهانی نیست، با این حال اسرائیل هرگز به طور رسمی زیر بار هیچ یک از موارد خرابکاری در ایران نرفته است.

شاید تنها موردی که در سال‌های اخیر اسرائیل مسئولیت آن را به عهده گرفته سرقت «اسناد برنامه هسته‌ای ایران» از مرکزی در تهران بود.

پخش سریالی به نام «تهران» در تلویزیون اسرائیل همزمان شده بود با انفجارها و آتش‌سوزی‌های پی‌درپی در ایران: «عملیات موساد در ایران و رقابتش با سپاه پاسداران و سازمان اطلاعاتی آن. از این نظر آیا سریال تهران پيامی سیاسی دارد؟ یا می‌خواهد بعد از دهه‌ها پروپاگاندای دو دولت، تصویری متفاوت ارائه کند؟»

سریال جاسوسی «تهران» حول زنی جوان (تامار رابینیان) می‌گذرد که مأمور موساد است و مخفیانه به تهران سفر می‌کند تا پدافند هوایی ایران را از کار بیندازد و ارتش اسرائیل بتواند نیروگاه اتمی این کشور را بمباران کند. اما مأموریت موفقیت‌آمیز نیست و تامار رابینیان عاشق یک فعال دموکراسی‌خواه در ایران می‌شود.

سریال از شبکه ۱۱ اسرائیل پخش می‌شود و بلافاصله پس از آغاز پخش نخستین قسمت‌های آن موفقیتی چشمگیر داشت. تهیه‌کننده اسرائیلی خیلی زود توانست سریال را به قیمت هر اپیزود یک و نیم میلیون دلار به ایل بفروشد و برای تولید دو فصل دیگر از آن قرارداد ببندد.

سریال تهران کوشیده برای مخاطبانش تصویری امروزی، باورپذیر و احتمالاً متفاوت‌تر ارائه دهد که کمتر در سینمای غرب نمایش داده شده است.

موشه زوندر فیلم‌نامه‌نویس این سریال می‌گوید در کنار دانیل سیرکین زمان زیادی را صرف تحقیق درباره ایران و مصاحبه با آکادمیسین‌ها، مأموران امنیتی، متخصصان امنیت سایبری موساد و ده‌ها تبعیدی ایرانی کرده‌اند تا دقیق‌ترین تصویر ممکن را از تهران ارائه دهند.

سریال «تهران» در آتن فیلم‌برداری شده است و سازندگان تلاش کرده‌اند پایتخت ایران را با وسواس بازسازی کنند: نرده‌های دانشگاه تهران، خیابان انقلاب، فضای داخلی اداره‌ها و فرودگاه امام خمینی و همچنین جزئیاتی مثل صندوق صدقات.

موشه زوندر از نویسندگان این سریال می‌گوید هدف اولیه‌اش از ساختن این سریال «مقابله با تصویر منفی از ایران بود که هدف اصلی‌اش نابودی اسرائیل است.»

از نکات جالب این سریال، ارائه تصویری متفاوت از مأموران امنیتی اطلاعات سپاه است. مأموران امنیتی و پولیس ایران در این فیلم زبده، کارآموده و تا حد زیادی شبیه به کارآگاهان مجرب و باهوش فیلم‌های هالیوودی تصویر شده‌اند. یکی از شخصیت‌های اصلی فیلم فراز کمالی، مأمور اطلاعات سپاه، کاراکتری است منحصر به فرد که خیلی زود دست موساد را می‌خواند، تا حدی مستقل از سیستم عمل می‌کند و رابطه عاشقانه مدرنی با همسرش دارد.

تاسیسات اتمی، نیروگاه و یالایشگاه؛ چند حادثه در ایران اتفاق افتاد؟

'به تازگی دوباره مجوز داده شد که سپاه، اطلاعات داشته باشد'

در مقایسه با چهره تعدیل شده اطلاعات سپاه پاسداران، موساد در سریال «تهران» چهره‌ای خشن دارد. این مخاطب را غافلگیر می‌کند.

در صحنه‌ای از فیلم همسر فراز کمالی افسر اطلاعاتی ایران خطاب به مدیر موساد می‌گوید «جنگ هم قواعدی دارد» و دشمن سراغ خانواده نمی‌آید.

چنین تصویری برای بینندگان اسرائیلی ممکن است تازگی داشته باشد اما دست‌کم برای منتقدان جمهوری اسلامی ایران تکان‌دهنده است. این موضوع چنان پررنگ است که حتی برخی از رسانه‌های داخلی نزدیک به جمهوری اسلامی ایران روی آن دست گذاشته‌اند.

حریف موساد یعنی اطلاعات سپاه کارگشته است، افسران اطلاعات سپاه در این فیلم، به نسبت فیلم‌های تبلیغاتی خود حکومت ایران، از جمله «گاندو»، زبردست‌تر از کار درآمده‌اند و شناخت کافی از اسرائیل دارند.

یکی از شخصیت‌های اصلی فیلم فراز کمالی، مأمور اطلاعات سپاه، کاراکتری است منحصر به فرد که خیلی زود دست موساد را می‌خواند، تا حدی مستقل از سیستم عمل می‌کند و رابطه عاشقانه مدرنی با همسرش دارد نکته جالب تر این‌که فراز کمالوند نه تنها خودش به انگلیسی مسلط است، بلکه همسر مانتوپوشش علاوه بر فارسی و انگلیسی، فرانسه هم صحبت می‌کند. مکالمه‌های آن دو، معمولاً با «بوس بوس» و جملاتی عاشقانه همراه است. چنین شخصیت‌پردازی، تقریباً شامل حال تمام شخصیت‌های فیلم شده است. سبک زندگی، روابط و فضاهای این سریال به شدت متأثر از زندگی «طبقه متوسط و مدرن ایران» است.

از نظر موشه زوندر، نویسنده سریال، این همان تصویر متفاوتی است که تاکنون در سریال‌های غربی نشان داده نشده است. او در مصاحبه‌ای حتی ابراز خوش‌بینی کرده که این فیلم بر روابط ایرانی‌ها و اسرائیلی‌ها که به دنبال تخاصم دو دولت، قطع است، تأثیری مثبت بگذارد.

موشه زوندر می‌گوید هدف اولیه‌اش از ساختن این سریال «مقابله با تصویر منفی از ایران بود که هدف اصلی‌اش نابودی اسرائیل است».

به گفته او «آن‌ها به امریکا می‌گویند شیطان بزرگ و به ما شیطان کوچک.» موشه زوندر می‌گوید که «من با این خودم را تعریف نمی‌کنم اما آن‌ها را می‌فهمم، ما به کنار زدن مصدق و روی کار آمدن شاه جوان که مستبد و دوست اسرائیل بود کمک کردیم و نیروهای ساواک را که وحشیانه سرکوب می‌کردند، آموزش دادیم.»

روایت فیلم تا حد زیادی بر اساس همان تصویر و کمپین‌های ضد جنگ چند سال اخیر شکل گرفته است که موفقیت چندانی نیافت: دوستی و نزدیکی دو ملت به رغم تخاصم دو دولت.

در سال ۲۰۱۲، با افزایش تنش جمهوری اسلامی ایران و دولت اسرائیل، یک دختر اسرائیلی مبتکر کمپینی شد به نام «ایرانی‌ها ما شما را دوست داریم.» چندی بعد شماری از ایرانی‌ها نیز در اقدامی مشابه به این کمپین مجازی پیوستند.

قهرمان اصلی فیلم، یعنی مأمور موساد، دختر جوان اسرائیلی است که خانواده او سال‌ها قبل از اصفهان به اسرائیل مهاجرت کرده بودند.

در حقیقت قهرمان اصلی فیلم هم یک اسرائیلی با اصل و نسب ایرانی است که مأموریتش بهانه‌ای می‌شود برای جست‌وجوی گذشته‌اش. او هنوز یک خاله در ایران دارد که حالا با کارمند عالی رتبه قوه قضائیه ازدواج کرده است.

این نگاه یعنی «دوستی دو ملت»، زمانی به اوج می‌رسد که مأمور موساد از دستور رئیس خود سرپیچی می‌کند و همزمان وارد رابطه‌ای عاطفی با پسر جوان هکری می‌شود که در فیلم نمادی است از معترضان جوان ایرانی. زن مأمور موساد تصمیم می‌گیرد عملیات خود را با کمک این پسر جوان بیکار اما با استعداد و مدرن ایرانی به پیش ببرد.

در سال‌های اخیر، سازمان رسانه‌ای اوج وابسته به سپاه پاسداران، دست به ساخت فیلم‌های پر مخاطبی چون «ماجرای نیمروز»، «ایستاده در غبار» زده و اغلب تولیدهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران همچون سریال «گاندو» نه مخاطبانی گسترده جذب کرده نه کیفیتی جهانی برای رقابت داشته است.

همزمانی پخش سریال «تهران» با چند رشته انفجار و آتش‌سوزی در تأسیسات نظامی و صنعتی ایران به خصوص در دو هفته اول تیر باعث گمانه‌زنی‌های درباره نقش اسرائیل در این حوادث شده است. گبی اشکنازی، وزیر خارجه اسرائیل با دمیدن بر آتش این شایعات گفته است: «ما کارهایی می‌کنیم که بهتر است ناگفته بماند.»

جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل در سوریه نیز جنگ شدیدی با همدیگر دارند. اسرائیلی‌ها در عملیات چند ماه اخیرشان در خاک سوریه، قرارگاه‌های نظامی، پایگاه‌های هوایی و انبارهای اسلحه سپاه پاسداران و نیروهای زیر سپاه قدس را مورد هدف قرار داده‌اند.

جمهوری اسلامی حدود ده سال است که در جنگ داخلی سوریه در دفاع از حکومت سوریه نقش مستقیم دارد و در این راه میلیارد‌ها دلار هزینه و همچنین هزاران نفر را قربانی کرده است.

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران بارها به «پرداخت هزینه‌های سنگین»، پر رابطه با برحام تاکید کرده است. خامنه‌ای به هزینه‌های پرداخت شده در ارتباط با برنامه هسته‌ای، «کل هزینه‌های» برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران برای جامعه ایران کمرشکن و فاجعه‌بار بوده است.

هزینه‌هایی آن‌چنان سنگین که می‌شد با آن مبالغ هنگفت کل جامعه ایران نوسازی کرد: «۵۰۰ میلیارد دلار خسارت برای تولید «یک هفتصدم» برق ایران؟

بنا بر گزارش بانک جهانی، تحریم‌های بین‌المللی باعث از دسترس خارج شدن ۱۰۷ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران شده است. (که به تخمین این بانک ۲۹ میلیارد آن به صورت پول نقد قابل بازگشت به کشور خواهد بود) این تحریم‌ها، در کنار افت جهانی قیمت نفت، به کاهش شدید درآمد نفتی ایران از ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۲۴ میلیارد دلار در سال جاری انجامیده است.

وزارت دارایی آمریکا در همان سال، مجموع هزینه تحریم‌های بین‌المللی برای اقتصاد ایران را، بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار تخمین زده است. تحریم‌هایی که ایران در جریان مذاکرات، برای رفع تک، تک آن‌ها ناچار از چانه زنی و دادن امتیاز بر سر میز مذاکره برای نزدیک شدن (و البته نه رسیدن) به وضعیت «پیش از» تحریم‌ها شد.

این تلاش‌های جمهوری اسلامی مجموعه پرونده عظیمی از تحریم‌های پیچیده و بی‌سابقه را روی میز مذاکرات قرار داده است که طرف مقابل، برای رفع هرکدام از آن‌ها امتیازی ملموس را مطالبه می‌کرد.

این در حالی است که به ازای مجموع هزینه‌های تحمیل شده بر اثر تحریم‌ها، ظرفیت غنی‌سازی به دست آمده در زمان احمدی‌نژاد، توان تولید کمتر از «یک هفتصدم» از مجموع تولید سالانه برق کشور را داشت.

اوج موفقیت این دوره، رسیدن به ۱۹ هزار سانتریفوژ (عمدتاً نسل یک بود که مجموعاً، توان غنی‌سازی اورانیوم در حد «یک دهم» از نیاز سالانه نیروگاه اتمی بوشهر را داشتند. خود نیروگاه اتمی بوشهر هم، ۱۰۰۰ مگاوات از مجموع حدود ۷۳۰۰۰ مگاوات (یک هفتاد و سوم) ظرفیت برق سالانه تولید شده در نیروگاه‌های ایران را فراهم می‌کند.

یعنی در زمان احمدی‌نژاد، با تن دادن به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار هزینه تحریم‌ها، توان تولید اورانیوم جمهوری اسلامی ایران به اندازه یک دهم مصرف سالانه نیروگاهی رسید که کمتر از یک هفتادم برق ایران را تولید می‌کرد؛ که به معنی فایده مجموع برنامه هسته‌ای در حد تولید حدود یک هفتصدم ظرفیت تولید برق کشور بود.

البته شاید اگر جمهوری اسلامی ایران می‌توانست در ازای تمام این هزینه‌ها سلاح هسته‌ای تولید کند، ممکن بود کسانی تحمیل هزینه‌های در این مقیاس بر کشور را توجیه‌پذیر بدانند.

اما در صورتی که مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی تاکید دارند که چنین قصدی را ندارند (و با توجه به مجموعه فشارهای بین‌المللی، از سال‌ها پیش چنین توانی را نیز نداشته‌اند) هزینه‌های برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران قابل توضیح نیست.

اگرچه آمار دقیقی از میزان هزینه‌ای که جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای پرداخته است وجود ندارد، اما محمد سعیدی معاون پیشین سازمان انرژی اتمی، اسفندماه سال ۱۳۹۳ هزینه برنامه هسته‌ای ایران را کمتر از دو میلیارد دلار اعلام کرده و گفته بود که با فعالیت دو ساله نیروگاه بوشهر این هزینه جبران خواهد شد. این در حالی است که نهادهای مستقل، هزینه تمام شده نیروگاه اتمی بوشهر را به تنهایی ۱۱ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.

سازمان‌ها و کارشناسان مستقل ناظر بر فعالیت هسته‌ای ایران، هزینه تحمیل شده به ایران را ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. مهران مصطفوی، استاد فیزیک در فرانسه پیش از این به رادیو زمانه گفته بود: «برنامه هسته‌ای بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد دلار هزینه مستقیم و غیرمستقیم به ایران تحمیل کرده است.»

ناصر نوبری، سفیر سابق ایران در شوروی اردیبهشت‌ماه سال ۹۳ در همایشی که جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران برگزار کرد، گفت: «بیماری اصلی اینجاست که اگر میلیاردها دلار بودجه برای برنامه هسته‌ای در سال‌های گذشته هزینه شده، چرا مجالس گذشته نظارت نکردند، این خود یک گناه بزرگ است.» این در حالی است که در سال ۸۹ مجلس هشتم اعلام کرد که دلایل تاخیر در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر را بررسی خواهد کرد. اما فروردین ماه سال ۹۰، حمیدرضا کاتوزیان تشکیل کمیته تحقیق و تفحص از نیروگاه بوشهر را غیرعملی دانست و گفت: «یک کمیته ویژه برای این کار تشکیل می‌شود.»

محمدحسن غفوری‌فرد رئیس این کمیته اردیبهشت‌ماه همان سال، ساخت یک نیروگاه جدید را مقرون به صرفه‌تر از هزینه راه‌اندازی نیروگاه بوشهر دانست. زهره طیب‌زاده هم در همین رابطه، گفت: «سوخت نیروگاه بوشهر تا ۱۰ سال آینده توسط کشور روسیه تأمین می‌شود و با توجه به امکانات مالی کشور و زمان‌بر بودن ساخت نیروگاه جدید طی سال‌های آتی، اساساً نیروگاهی وجود ندارد که به تولید سوخت نیاز داشته باشد. بنابراین داشتن مجوز تولید صنعتی زیر ۵ درصد موجود هم به دلیل عدم نیاز بلااستفاده می‌ماند.»

عسگر جلالیان، عضو کمیته ویژه مجلس برای بررسی وضعیت نیروگاه بوشهر نیز اعلام کرد که ایران بهای سنگینی برای این نیروگاه بوشهر پرداخته و در واقع سه برابر هزینه یک نیروگاه اتمی برای آن هزینه کرده است.

احمد شیرزاد نماینده مردم اصفهان در مجلس ششم هم پیش‌تر گفته بود که تلاش نمایندگان برای تحقیق و اطلاع یافتن از برنامه‌های هسته‌ای به نتیجه نرسیده و تنها امکان دسترسی به یک گزارش ساده برای‌شان میسر شده است.

احمد شیرزاد، آذرماه سال ۹۳ در جمع دانشجویان دانشگاه تهران گفت: «از چاه هسته‌ای آبی برای ایران درمی‌آید، از سال ۸۲ دریغ از یک لیوان آب.» او که پیش‌تر و در مجلس ششم با انتقاد از برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی، خواستار تعلیق همه برنامه‌ها برای دستیابی به انرژی هسته‌ای شده بود، این بار هم هزینه تمام شده دستیابی به انرژی هسته‌ای برای ایران را ده برابر میانگین جهانی آن دانست و گفت: «داشتن فناوری هسته‌ای برای کشور ما هزینه تحریم‌ها را داشته است و اکنون باید به غرب بگوئیم اگر ایران از خطوط قرمز آن‌ها - مسأله هسته‌ای - عقب‌نشینی کند، چه چیزی به ما می‌دهند.»

تنها از سال ۲۰۱۲ و پس از تشدید تحریم‌های نفتی و بانکی، ایران حداقل نیمی از درآمد نفتی خود را از دست داده است. ارزش برابری ریال حداقل به نصف کاهش یافته و میزان سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز ایران به کمترین میزان ممکن - حتی در مقایسه با دوران جنگ ایران و عراق- رسیده است.

بر اساس گزارش دو مؤسسه امریکائی، ایران به خاطر تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای‌اش بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار زیان دیده است. مؤسسه «کارنگی برای صلح بین‌المللی» و «انجمن دانشمندان امریکا» این هزینه را تنها مربوط به زیان‌هایی که ایران به خاطر عدم سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی و همچنین تحریم صادرات نفت متحمل شده است، دانسته‌اند.

این‌در حالی است که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در دوره تشدید تحریم‌های اقتصادی ۶۰ درصد صنعت ایران با ظرفیت حداکثر سی درصد فعالیت کرده است. همچنین به گفته وزیر صنعت، معدن و تجارت، حداقل ۲۲۰۰ واحد تولیدی و صنعتی از کار افتاده‌اند. علاوه بر این در آخرین سال فعالیت دولت پیشین، حداقل ۷۲ هزار پروژه صنعتی و عمرانی به دلیل عدم تأمین اعتبار و کسری بودجه ناتمام مانده است. اقتصاد ایران در این دوره با رشد منفی روبرو شده و ایران به ناچار به مبادله نفت با کالا روی آورده است.

به گفته علی ربیعی، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی در دولت نخست شیخ حسن روحانی، هزینه ایجاد یک شغل جدید ۲۰ میلیون تا ۷۰ میلیون تومان است. اگر قیمت هر دلار را سه هزار تومان در نظر بگیریم (حدود چهار سال پیش)، هزینه ۱۰۰ میلیارد دلاری ناشی از تحریم‌ها می‌توانست اعتبار لازم برای شش میلیون فرصت شغلی را تأمین کند. این در حالی است که به گفته معاون توسعه اشتغال وزارت کار، دولت در قانون بودجه سال گذشته هیچ اعتباری به اشتغال‌زایی اختصاص نداده است. به گفته حسین طائی، از سال ۸۸ به بعد اعتبار اشتغال‌زایی از ردیف‌های بودجه سالانه حذف شده است.

همچنین به گفته رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس، دولت برای تکمیل ۷۲ هزار پروژه صنعتی نیمه تمام به ۶۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد و مجموع اعتبار عمرانی بودجه سالانه ایران به ۲۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد. اگر این روایت را مبنا قرار دهیم با همین ۱۰۰ میلیارد دلار، چند پروژه ناتمام به بهره‌برداری می‌رسید؟ مجموع اعتبار دولت برای مناطق محروم در سال گذشته چهار هزار میلیارد تومان بوده است که به گفته نماینده ایلام، بخش زیادی از آن وابسته به فاینانس خارجی بوده و محقق نشده است. حال محاسبه کنید که ۱۰۰ میلیارد دلار چند برابر بودجه تأمین اعتبار نشده مناطق محروم ایران است.

اکنون می‌توانیم در سرمقاله اواخر سال ۱۳۹۹ خود نوشت: ۱۰ سال از سونامی سواحل اقیانوس آرام که پرجمعیت‌ترین جزیره ژاپن، هونشو را از بین برد، می‌گذرد. این سونامی، ۲۰ هزار کشته برجای گذاشت، بیش از ۱۰۰ هزار خانه را تخریب و ده‌ها میلیون نفر را آواره کرد. هزینه مستقیم اقتصادی این فاجعه نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد شده که آن را به پرهزینه‌ترین فاجعه طبیعی در جهان تبدیل کرده است. با این حال آنچه در اذهان مردم جهان از این فاجعه باقی مانده، تنها یک چیز است: بحران پس از آن در نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما دای‌ایچی.

زلزله باعث شد ارتباط این نیروگاه با منابع خارجی برق قطع شود؛ سونامی به راحتی به بالای دیوارهای این نیروگاه رسید و آب به زیرزمین این نیروگاه که در آن ژنراتورهای اضطراری قرار داشتند، نفوذ پیدا کرد. این یک خطر قابل پیش‌بینی بود که ژاپنی‌ها آن را پیش‌بینی نکرده بودند. از آنجا که راهی برای خنک‌کردن هسته‌های راکتور وجود نداشت، سوخت هسته‌ای موجود در آن، شروع به ذوب شدن می‌کند. آتش‌سوزی، انفجار و انتشار میزان نگران‌کننده‌ای از تشعشعات، گودالی از جهنم را شکل می‌دهد که پایه‌ها و ستون‌های این نیروگاه را از پای درآوردند.

نگرانی از تأثیرات این تشعشعات افزایش یافت، صدراعظم آلمان، آنگلا مرکل که مدت‌ها در کنار رهبران اقتصادی در برابر جنبش‌های ضد هسته‌ای ایستاده بود، دستور داد که رآکتورهای هسته‌ای به تدریج از رده خارج شوند. از سوی دیگر چین، برنامه بزرگ‌ترین نیروگاه هسته‌ای جهان را به حالت تعلیق درآورد. جهان از سر دادن شعار «رنسانس هسته‌ای» برای مبارزه با تغییرات آب و هوایی، ساکت شد.

واکنش اگرچه قابل درک، اما اشتباه بود. انرژی هسته‌ای معایب زیادی دارد. روند آهسته ساخت این نیروگاه‌ها، هزینه بسیاری را می‌طلبد و برق زیادی در این راستا مصرف می‌شود. خطر نیروگاه‌های هسته‌ای کوچک اما در صورت وقوع، فاجعه‌آمیز است و به قوانین زیادی برای قاعده‌مند کردن آن نیاز است؛ چرا که سابقه بلندبالا و نگران‌کننده‌ای در باب این قواعد وجود دارد و آنچه در ژاپن اتفاق افتاد شاهدی بر آن است. علاوه بر این، نیروگاه‌ها، زباله‌هایی سمی با طول عمر زیاد تولید می‌کنند. از سوی دیگر این نیروگاه‌ها ارتباطی با اشاعه سلاح‌های هسته‌ای ندارند. بسیاری از کشورهای خارج از اروپا که از انرژی هسته‌ای استفاده می‌کنند، سابقه‌ای در خصوص تلاش برای توسعه بمب نداشته‌اند. همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند که مردم سراسر جهان با شدت و ضعف‌های متفاوتی، نسبت به این فناوری، احساس خوبی نداشته باشند.

به گفته آژانس بین‌المللی انرژی، این تعطیلی‌ها به این معناست که اقتصادهای پیشرفته تا سال ۲۰۴۰ بالغ بر دو سوم از ظرفیت هسته‌ای خود را تعطیل می‌کنند. در این میان زیرساخت‌های جدید سوخت فسیلی و انرژی‌های تجدیدپذیر این شکاف را پر خواهند کرد که جایگزینی انرژی‌های تجدیدپذیر همواره با استقبال بیش‌تری نسبت به سوخت‌های فسیلی همراه هستند.

همچنین در پی انفجار مهیبی که در رآکتور چهارم اتمی نیروگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین در روز ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ رخ داد، مواد رادیو اکتیو فراوانی آزاد شد. این حادثه بدترین فاجعه غیرنظامی تاریخ جهان نام گرفته است. انفجار در نیروگاه چرنوبیل به بسیاری خوش‌باوری‌ها درباره انرژی «پاک» اتمی پایان داد. با این حال ده‌ها هزار قربانی و خطرانی که هنوز محیط زیست را تهدید می‌کنند، هستند کشورها و دولت‌هایی که نمی‌خواهند انرژی هسته‌ای را کنار بگذارند. از سال ۱۹۴۵ تا کنون بیش از دو هزار انفجار اتمی صورت گرفته است. امریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم ۱۰۳۹ بمب اتمی، شوروی سابق (روسیه) ۷۱۸ بمب، فرانسه ۱۹۸ بمب، بریتانیا و چین هر یک ۴۵ بمب، هند و کره شمالی هر یک سه بمب و پاکستان ۲ بمب اتمی به انفجار رسانده‌اند. ده‌ها هزار انسان تا کنون بطور مستقیم تحت آلودگی اشعه‌های رادیواکتیو آلوده قرار گرفته‌اند. گالری عکس امروز مرور کوتاهی است بر برخی از بزرگ‌ترین حوادث اتمی که انتظار وقوع آن می‌رفت.

اخیرا اسناد جدیدی از فاجعه انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین منتشر شده است. سرویس امنیت اوکراین، اسناد جدیدی در رابطه حادثه انفجار رخ داده در سال ۱۹۸۶ در نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل، رونوشت مکالمات تلفنی در شب حادثه، نخستین گزارش و اطلاعات مربوط به آغاز تحقیقات در این باره را منتشر کرده است.

روزنامه «ایزوستیا»، چاپ مسکو، نوشته است: بایگانی سرویس امنیت اوکراینو مؤسسه یادگارهای ملی اوکراین، بایگانی اطلاعات مربوط به حادثه انفجار در نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل را باز کردند.

دفتر مطبوعاتی سرویس امنیت اوکراین روز دوشنبه ۲۲ ژوئن ۲۰۲۰ - دوم تیرماه ۱۳۹۹ در گزارشی با استناد به کتاب دوم مجموعه «پرونده کا.گ.ب. درباره چرنوبیل - از ساخت تا انفجار»، یادآور شده است: «در میان اسناد موجود در کتاب جدید، گزارشی از حادثه انفجار رخ داده در سال ۱۹۸۶، رونوشت مکالمات تلفنی صورت گرفته در نیروگاه

هسته‌ای چرنوبیل در شب ۲۶ اپریل، رونوشتی از اولین گزارش مربوط به این حادثه، اطلاعات مربوط به آغاز تحقیقات و ساخت "مقبره" وجود دارد که جزئیات بیشتری از این فاجعه را روشن می‌کند.»

بر اساس این اطلاعات، در مجموع این کتاب شامل ۲۲۹ سند سری است که بیش‌تر آن‌ها برای نخستین بار است که منتشر می‌شود.

«آنتون دروبویچ» رئیس مؤسسه یادگارهای ملی اوکراین گفت: «این اسناد به بشریت این امکان را می‌دهد تا بهتر این حادثه را درک کند و به حقایق رخ داده درباره جنایات سیستم توتالیتار اتحاد جماهیر شوروی سابق دسترسی بیش‌تر داشته باشند و درس‌های عبرتی از این فاجعه بگیرند.»

بر اساس اطلاعات جدید، در حقیقت در نیروگاه اتمی چرنوبیل تا قبل از اپریل سال ۱۹۸۶ هم حوادثی رخ داده بود، ولی هرگز هیچ‌کس از این وقایع مطلع نشد. به مدت ۱۰ سال، از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱، ۲۹ بار موقعیت اضطراری، از جمله به دلیل مقصر بودن پرسنل نیروگاه، اتفاق افتاده است.

پیش از این هم سرویس امنیت اوکراین اسناد طبقه‌بندی شده‌ای را درباره نیروگاه اتمی چرنوبیل منتشر کرده است که شامل - یادداشت‌ها، پیام‌های اطلاعاتی، و حقایقی درباره ساخت و سازها و نصب بی‌کیفیت تجهیزات، نقض مکرر نظم و انضباط فنی و قوانین ایمنی در این نیروگاه است.

در ماه آگوست سال ۲۰۱۹، نخستین گزارش سازمان اطلاعاتی امریکا درباره حادثه انفجار در نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در ایالات متحده، علنی شد.

فاجعه انفجار چرنوبیل در شب ۲۶ اپریل سال ۱۹۸۶ به علت وقوع یک حادثه در راکتور چهارم نیروگاه رخ داد. انتشار مواد رادیواکتیو در بخش‌های گسترده‌ای از خاک سه جمهوری اوکراین، بلاروس و روسیه در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفت. بیش از دو میلیون نفر در معرض تابش اشعه قرار گرفتند و طی چند سال ده‌ها نفر به دلیل عواقب آن جان باختند.

چرنوبیل شهری در اوکراین است که در استان کیف پایتخت اوکراین و در نزدیکی مرز بلاروس قرار دارد. این شهر به علت حادثه چرنوبیل که در نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل که در ۱۴.۵ کیلومتری این شهر قرار داشت رخ داد خالی از سکنه شد. این حادثه در ۲۶ اپریل ۱۹۸۶ میلادی در راکتور شماره ۴ نیروگاه چرنوبیل اوکراین که از نوع راکتورهای RBMK بود رخ داد. از حادثه اتمی چرنوبیل به عنوان بدترین حادثه اتمی غیرنظامی تاریخ جهان نام برده شده است. در ۲۵ و ۲۶ اپریل ۱۹۸۶ متصدیان راکتور برای انجام آزمایش قطعی برق سیستم ایمنی راکتور را غیرفعال کردند. (کنندگانهای نوترون را از آن خارج کردند) هدف متصدیان از این آزمایش این بود که بدانند آیا توربین‌های چرنوبیل در هنگام قطع برق قادر به تولید برق کافی برای ادامه کار نیروگاه خواهند بود یا خیر.

حادثه اتمی چرنوبیل حادثه هسته‌ای فاجعه‌باری بود که در روز ۲۶ اپریل ۱۹۸۶ -۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ در نیروگاه چرنوبیل در اوکراین رخ داد. انفجار و آتش‌سوزی در راکتور شماره ۴ نیروگاه چرنوبیل باعث پخش مواد رادیواکتیو در بخش بزرگی از غرب شوروی و اروپا شد. این راکتور از راکتورهای RBMK بود.

حادثه زمانی آغاز شد که در ۱۰:۱۱ شب ۲۵ اپریل ۱۹۸۶ نیروگاه چرنوبیل دستور کاهش میزان قدرت راکتور برای تست را دریافت نمود و نیروگاه شروع به کاهش قدرت راکتور شماره چهار تا ۳۰ درصد نمود. دو اشتباه واقعه مهلک چرنوبیل را رقم زد: اولین اشتباه زمانی بود که کنترل‌کننده راکتور به اشتباه و بر اثر عدم تنظیم درست، میله‌های جذب نوترون نیروی راکتور را تا یک درصد کاهش داد و راکتور بیش از پیش افت قدرت پیدا کرد. در این‌جا بود که پرسنل دومین اشتباه خود را انجام دادند و تقریباً تمامی میله‌های کنترل را از داخل راکتور بیرون کشیدند. این همانند آن است

که اتومبیلی در آن واحد هم گاز بدهد و هم ترمز بگیرد. در این زمان و با وجود نبود میله‌های کنترل‌کننده قدرت در داخل منطقه فعال نیروی راکتور به ۷ درصد افزایش پیدا نمود.

در ۱:۲۳:۴۵ صبح یک انفجار اولیه پوشش هزار تتی بالای راکتور را بلند و راه را برای خروج مقدار زیادی بخار آب هموار کرد و این مقدمه‌ای بود بر انفجار دوم ناشی از هیدروژن که ممکن است ترکیب بخار آب لوله‌های پاره شده و زیرکونیوم یا حتی گرافیت هسته راکتور بوده باشد.

بلافاصله پس از انفجار اول انفجار دوم سقف راکتور را پاره کرد و ۲۵ درصد از تأسیسات هسته راکتور را از بین برد. گرافیت (کندکننده) سوزان و مواد داغ هسته که در اثر انفجار بیرون ریخته بود، باعث ایجاد حدود ۳۰ آتش‌سوزی جدید شد، و این شامل سقف قیر اندود و قابل اشتعال واحد ۳ نیز می‌شد که مجاور واحد ۴ واقع شده بود.

تعداد زیادی از کارکنان تأسیسات در عرض چند ساعت نشانه‌های دریافت تشعشع رادیو اکتیو را نشان دادند. عده زیادی کارمند و آتش‌نشان که بدون محافظ مشغول به کار بودند، بیشتر بخاطر شروع آتش‌سوزی در سقف واحد ۳ بود که پیش‌بینی‌های ایمنی را نادیده گرفتند. عده افرادی که در بیمارستان‌ها بستری شدند، تا ساعت ۶ صبح به ۱۰۸ و تا پایان روز اول به ۱۳۲ نفر رسید.

پس از انفجار ابتدا محیط اطراف تأسیسات به امواج رادیواکتیو آلوده گشت و بعد به تدریج ابرهای آلوده به نواحی دورتر سرکشیدند و بارش باران سبب شد که بخش‌های وسیعی از اروپا به مواد رادیواکتیو آلوده شود. در اثر انفجار در راکتور بلوک چهار تأسیسات اتمی چرنوبیل، مواد رادیواکتیو برای ساختن حدود صد بمب اتمی آزاد شدند. اگرچه در آن سال مقامات اتحاد شوروی سابق در آن زمان، پخش هر گونه خبری را در مورد این فاجعه به شدت ممنوع ساختند. از نظر زیان‌های مالی و انسانی، حادثه چرنوبیل بدترین حادثه نیروگاه‌های هسته‌ای در جهان به‌شمار می‌آید.

در اثر فاجعه چرنوبیل قریب به ۵ میلیون نفر آسیب دیدند، حدود ۵ هزار مرکز مسکونی در روسیه سفید، اوکراین و فدراسیون روسیه با ذرات رادیو اکتیو آلوده شدند. از میان آن‌ها، ۲۲۱۸ شهر و روستا با جمعیت حدود ۲/۴ میلیون نفر در محدوده اوکراین قرار داشتند، فاجعه چرنوبیل جمعیت کشورهای مذکور را تحت‌الشعاع قرار داد. غیر از اوکراین، جمهوری روسیه سفید و فدراسیون روسیه، کشورهای فنلاند، سوئد، نروژ، لهستان، انگلستان و برخی کشورهای دیگر نیز اثرات فاجعه را احساس کردند. عوامل اصلی فاجعه انجام آزمایش بدون فراهم بودن شرایط، سطح ناکافی ایمنی در راکتور و اشتباهات پرسنل اعلام شد. عملیات امحاء نتایج فاجعه در نیروگاه چرنوبیل از تاریخ ۲۶ اپریل ۱۹۸۶ تحت ریاست کمیسیون دولتی شوروی آغاز شد. این عملیات از نیمه دوم روز ۲۶ اپریل شروع شد و تا سال ۱۹۹۱ ادامه یافت. در اولین گام یک منطقه انزوا در محدوده ۳۰ کیلومتری اطراف نیروگاه چرنوبیل تعیین شد. از ۲۷ اپریل سال ۱۹۸۶ حکومت اوکراین ساکنین شهرهای پریپیات و چرنوبیل، و روستاهای درون منطقه انزوا ۳۰ کیلومتری -حدود صد هزار نفر- را به خارج این محدوده انتقال داد. پنهان کردن اطلاعات مربوط به فاجعه چرنوبیل باعث شکل‌گیری و گسترش شایعات باور نکردنی پیرامون نتایج فاجعه شد. ریاست شوروی از پذیرش همکاری بین‌المللی برای انجام عملیات امحاء نتایج فاجعه هسته‌ای امتناع کرد. تنها در سال ۱۹۸۹ بود که حکومت شوروی از آژانس انرژی اتمی به منظور ارزیابی کارشناسی عملیات امحاء، درخواست کمک کرد. فاجعه چرنوبیل وضعیت تشعشع در محدوده‌های بسیاری از کشورهای اروپائی را به شدت تغییر داد. این آلودگی، در ماه می‌سال ۱۹۸۶ در تمامی کشورهای نیمکره جنوبی، در اقیانوس‌های آرام، اتلانتیک و منجمد شمالی مشاهده می‌شد.

با وجود گذشت سال‌ها از این حادثه، هنوز آثاری از مواد رادیواکتیو و جهش‌های ژنتیکی در مردم منطقه مشاهده می‌شود. در این میان می‌توان به ناقص شدن نوزادان در دو دهه اخیر، از قبیل بی‌دست و پا متولد شدن اشاره کرد.

مقیاس این فاجعه بسیار بیشتر از آن بود که مقامات دولتی آن را اعلام می‌کردند. از راکتور شماره چهار فقط اتم سزیم و پلوتونیوم نبود که بیرون آمد بلکه دروغی خطرناکتر از آن‌ها بود که مقامات سابق شوروی آن را اعلام کردند. بر اساس گزارش‌های اعلام شده مقامات شوروی میزان استاندارد تشعشعات اتمی که یک انسان می‌تواند تحمل کند را در عدد پنج ضرب کرده بودند، که این جرمی بسیار بزرگ است. از پانصد هزار نفری که با حادثه چرنوبیل مبارزه کردند، بیست هزار نفر مرده‌اند و دویست هزار نفر هم رسماً از کار افتاده اعلام شده‌اند. کسانی هم که زنده ماندند، از بیماری‌ها و سرطان‌های مربوط به تشعشعات اتمی رنج می‌برند. بسیاری از مردم اوکراین و حتی کشورهای همسایه به دلیل وجود ید رادیواکتیو به سرطان تیروئید دچار شدند. شایان ذکر است که تشعشعات اتمی چرنوبیل همچنان پابرجا بوده و با وجود ایزولاسیون نوین آن نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. آمار افزایش نرخ سرطان اوکراین هم گواه بر شرایط وخیم تشعشعات رادیواکتیو که همچنان هم موجود اند می‌باشد.

اقتباس‌ها

در سال ۲۰۱۹، شبکه اچ‌بی‌او، مینی سریالی با نام چرنوبیل با موضوع این فاجعه ساخت که به سرعت با استقبال مواجه شد و با پخش قسمت سوم، به رتبه اول از ۲۵۰ سریال برتر جهان در آی‌ام‌دی‌بی رسید. همچنین در صنعت بازیهای ویدیویی نیز توسط شرکت infinity ward مورد اقتباس قرار گرفت و در یکی از اپیزودهای بازی تحسین شده ندای وظیفه: جنگاوری مدرن ۱ نیز مورد استفاده قرار گرفت.

آلمان در حال حاضر ۱۷ تأسیسات برق هسته‌ای دارد اما وقوع فاجعه هسته‌ای در نیروگاه فوکوشیما دایچی در ژاپن در سال ۲۰۱۱ سبب شد تا اعتراضات زیادی در این کشور باوجود وابستگی‌اش به انرژی اتمی، علیه استفاده از این منبع تامین برق شکل گیرد.

دولت آلمان با پرداخت ۲/۴ میلیارد یورو غرامت به شرکت‌های آب‌برق، تا پایان سال ۲۰۲۲ شش نیروگاه هسته‌ای خود را پیش از موعد مقرر تعطیل خواهد کرد.

دولت آلمان قرار است به شرکت سوئدی «وانتفال» یک میلیارد و ۴۲۵ میلیون یورو و به سه شرکت آلمانی دیگر یک میلیارد یورو به طور مشترک غرامت پرداخت کند.

به نقل از یورو نیوز برخی از شرکت‌های خدماتی از دولت آلمان شکایت کرده و استدلال می‌کنند که باید به دلیل سرمایه‌گذاری از دسترفته غرامت بیشتری به آنها پرداخت شود.

توافق دولت آلمان با شرکت‌های مذکور باید مورد بررسی و تأیید مقامات اتحادیه اروپا نیز قرار بگیرد.

آلمان تلاش دارد با حذف زود هنگام نیروگاه‌های تولید برق هسته‌ای، از انرژی سبز و منابع تجدیدپذیر به عنوان جایگزین استفاده کند.

دولت فرانسه در حالی که چندی پیش براساس اسناد منتشر شده توسط روزنامه لوموند اعلام کرده بود، ده‌ها میلیارد یورو برای ساخت ۶ راکتور هسته‌ای نسل پیشرفته در این کشور هزینه خواهد کرد، از تعطیلی ۱۴ راکتور هسته‌ای فعال تا سال ۲۰۳۵ میلادی خبر داد.

براساس این گزارش، تعطیلی دیگر راکتورها نیز به تدریج و در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۵ میلادی انجام خواهد شد.

فرانسه با ۱۹ نیروگاه و ۵۸ راکتور هسته‌ای، به عنوان هسته‌ای‌ترین نقطه در کره زمین شناخته می‌شود و به تأیید کارشناسان، وقوع سوانح خطرناک و غیرمنتظره در نیروگاه و راکتورهای هسته‌ای، می‌تواند یک فاجعه بزرگ انسانی را در این کشور رقم بزند.

اکنون در اتحادیه اروپا ۱۲۷ راکتور هسته‌ای فعال وجود دارد که فرانسه با ۵۸ راکتور در صدر است. سه‌چهارم انرژی برق فرانسه توسط ۵۸ راکتور هسته‌ای در نیروگاه‌های این کشور تولید می‌شود.

به گزارش خبرگزاری رویترز، سوئد روز دوشنبه ۳۰ دسامبر ۲۰۱۹ اعلام کرد که یکی از راکتورهای خود را در بزرگترین نیروگاه هسته‌ای اش تعطیل کرده است. از این‌رو واحد دوم نیروگاه رینگ‌هالز پس از ۴۰ سال فعالیت برای همیشه خاموش شد.

واحد اول رینگ‌هالز قرار است سال آینده میلادی (۲۰۲۱) خاموش و برای همیشه فعالیت آن متوقف شود اما واحدهای سوم و چهارم آن فعلاً به کار خود ادامه خواهند داد.

سوئد قصد دارد تا سال ۲۰۴۰ به‌طور ۱۰۰ درصد از انرژی‌های تجدید پذیر استفاده کند.

دیگر نیروگاهی که این روزها در اروپا به‌طور کامل خاموش شده است، تاسیسات موهلمبرگ در هلند بود که روز ۲۰ دسامبر غیر فعال شد. هلند نیز قصد دارد تا سال ۲۰۵۰ به‌طور کامل از منابع قابل بازگشت برای تامین برق خود استفاده کند.

یک نهاد بین‌المللی در تازه‌ترین گزارش سالانه خود از وضعیت صنعت هسته‌ای در جهان اعلام کرد میزان نیروگاه‌های اتمی فعال به پائین‌ترین تعداد در سی سال گذشته رسیده است.

بنابر گزارش نهاد وضعیت صنعت هسته‌ای (WNISR) که در پاریس مستقر است، در حال حاضر ۴۰۸ نیروگاه اتمی در ۳۱ کشور جهان به فعالیت می‌پردازند که در مقایسه با سال گذشته ۹ واحد کمتر شده‌اند. این تعداد در مقایسه با ۴۳۸ نیروگاه، در اوج فعالیت نیروگاه‌های هسته‌ای در جهان در سال ۲۰۰۲، کاهش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد.

مطابق آمار منتشره از ۵۲ نیروگاه جدید در دست احداث دستکم ۳۳ نیروگاه از برنامه عقب هستند. این در حالی است که در نیمه نخست سال ۲۰۲۰ حتی یک نیروگاه هسته‌ای جدید نیز وارد چرخه بهره‌برداری نشده است.

پروژه‌های هسته‌ای تعریف شده جدید علاوه بر مسأله تامین مالی، با رقیبی به نام انرژی‌ها تجدیدپذیر مواجه هستند. در سال ۲۰۱۹ بودجه تعریف شده برای نیروگاه‌های هسته‌ای ۳۱ میلیارد دالر بود که این مبلغ یک دهم بودجه تخصیص یافته به نیروگاه‌های بادی و خورشیدی در جهان بوده است.

در این گزارش آمده است که صنایع انرژی تجدیدپذیر نسبت به صنعت هسته‌ای در برابر اثرات همه‌گیری کرونا مقاومت بهتری از خود نشان داده‌اند.

بنا بر این پژوهش، تولید انرژی‌های تجدیدپذیر ۳ درصد رشد را نشان داده در حالی که تولید انرژی هسته‌ای به همین میزان کاهش یافته است.

سال گذشته همچنین برای اولین بار در تاریخ، سهم انرژی‌های تجدید پذیر در تولید برق جهان با ۱۰.۳۹ درصد از سهم انرژی هسته‌ای با ۱.۳۵ درصد پیشی گرفته است.

داده‌های تازه نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته جهان به شکلی جدی در حال بستن راکتورهای اتمی خود و جایگزین کردن آن‌ها با نیروگاه‌های خورشیدی و بادی هستند. برای مثال آلمان در پنج سال گذشته ۳۰ راکتور هسته‌ای را تعطیل کرده است و ۲۴ راکتور دیگر نیز در این کشور در حال تعطیل شدن هستند.

امریکا با ۳۸ راکتور تعطیل شده، بریتانیا با ۳۰ راکتور، ژاپن با ۲۷ راکتور و فرانسه با ۱۴ راکتور دیگر کشورهای هستند که به فعالیت بخش قابل‌توجهی از نیروگاه‌های اتمی خود خاتمه داده‌اند.

این در شرایطی است که کشورهای خاورمیانه رفته‌رفته به انرژی هسته‌ای رو می‌آورند. مطابق گزارش منتشره، امارات عربی متحده ۴ نیروگاه اتمی با ظرفیت ۵.۴ گیگاوات را در دست احداث دارد که یکی از آن‌ها در آستانه بهره‌برداری است.

در همین حال ترکیه ۲ نیروگاه اتمی با ظرفیت مجموع ۲.۲ گیگاوات را در دست ساخت دارد، مصر در حال آماده‌سازی زیرساخت نیروگاه ۴.۸ گیگاواتی خود است و عربستان سعودی نیز در حال بستن قراردادهای برای یک نیروگاه هسته‌ای ۲ گیگاواتی است.

ایران نیز فاز ۲ نیروگاه بوشهر را با ظرفیت ۹۷۴ مگاوات و بودجه‌ای حدود ۱۰ میلیارد دلار در دست احداث دارد. فاز ۱ نیروگاه ۹۱۵ مگاواتی بوشهر اکنون در دست بهره‌برداری است و کمتر از ۲ درصد از برق مصرفی کل ایران را تولید می‌کند.

این در حالی است که بنابر گزارش سال ۲۰۲۰، ایران حدود ۳۰۰ روز آفتابی در سال دارد که به این کشور تابش متوسطی فوق‌العاده معادل ۲۲۰۰ کیلووات ساعت بر متر مربع می‌دهد.

با این وجود اما کمتر از ۱ درصد توان برق ایران از راه انرژی‌های تجدید پذیر به دست می‌آید.

حدود ۸۳ سال پیش اینشتاین دانشمند یهودی آلمانی به روزولت رئیس‌جمهور وقت آمریکا نامه نوشت و او را در جریان تحقیقات اتمی آلمان و تلاش این کشور برای دستیابی به سلاح هسته‌ای قرار داد. دیری نپایید که آمریکا دست به کار شد و خیلی زودتر از آلمان، اولین بمب اتم را ساخت و در سال ۱۳۲۴ در جنگ دوم جهانی علیه ژاپن به کار برد.

پس از آمریکا سایر کشورها همچون انگلیس، شوروی، فرانسه و آلمان نیز به سمت هسته‌ای شدن پیش رفتند و رقابت شدیدی در این زمینه بین کشورها درگرفت. در این شرایط آمریکا باز هم یک گام از سایر کشورها پیشی گرفت و در ۲۹ آذر ۱۳۳۰ در یک پایگاه آزمایشگاهی از رآکتور هسته‌ای برای تولید انرژی الکتریکی (در حدود ۱۰۰ کیلووات) استفاده کرد. از آن پس دیگر رقابت تنها بر سر بمب اتم نبود و ساخت نیروگاه هسته‌ای نیز در این چارچوب قرار گرفت.

نیروگاه هسته‌ای (Nuclear Power Station) یک نیروگاه الکتریکی است که از انرژی تولیدی شکست هسته اتم اورانیوم یا پلوتونیوم استفاده می‌کند. چون شکست سوخت هسته‌ای اساساً گرما تولید می‌کند، از گرمای تولید شده رآکتورهای هسته‌ای برای تولید بخار استفاده می‌شود، از بخار تولید شده برای به حرکت در آوردن توربین‌ها و ژنراتورها و در نهایت برای تولید برق استفاده می‌شود.

برنامه‌هایی که جمهوری اسلامی برای فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم دارد آشکار می‌کنند که مسئولان نیز آسیب‌پذیری آن‌ها و احتمال ضربه خوردنشان را باور دارند.

علی اکبر صالحی در گفت‌وگوی تلویزیونی شنبه شب خود گفته است: «آلان در دل کوه و نزدیک نطنز شبانه روز در حال کار هستیم که سالن‌های حساس را به دل کوه می‌بریم و امیدواریم سالن‌های مورد نظر سال آینده در دل کوه آماده شود و این تاسیسات را به آنجا منتقل کنیم.»

انتقال تاسیسات حساس «به دل کوه» می‌تواند خطر حمله از بیرون را تا حدودی خنثی کند یا کاهش دهد اما مانع حمله سایبری که معمولاً از طریق اینترنت انجام می‌شود نخواهد بود.

ناگفته نماند که سران و مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی همواره اسرائیل را تحرک می‌کنند و عملیات دولت اسرائیل علیه اهداف ایران در سوریه و اقیانوس‌ها و داخل ایران توجیه‌پذیر می‌کنند.

روز دهم دی ماه ۳۱-۱۳۹۹ دسامبر ۲۰۲۰ گروهی از نمایندگان مجلس شورای ایران، تحت عنوان «اقدام متقابل ایران در برابر ترور شهید سلیمانی» طرحی ارائه کردند که بنا به ماده پنجم آن: «دولت مکلفند به ایجاد ترتیبات ذیل جهت نابودی رژیم غاصب صهیونیستی تا سال ۱۴۲۰» اقدام کند.

ظاهراً جنگ کشتی‌ها بین اسرائیل و ایران ابعادی بسیار فراتر از آنچه تا کنون تصور می‌شده، داشته است. پس از گزارشی از «وال استریت ژورنال»، به نقل از منابع اسرائیلی، مشخص شد که دست‌کم ۱۲ حمله، ظرف دو سال گذشته کشتی‌های ایرانی را هدف قرار داده است.

عاموس هرئیل، تحلیل‌گر نظامی اسرائیلی، در این زمینه توضیح داده که اسرائیل تانکرهای نفتکش ایرانی را در چندین مکان هدف قرار داده است، از دریای سرخ در جنوب تا سواحل سوریه در شمال، اما دو طرف این موضوع را مخفی نگه داشته بودند. این در حالی است که اسرائیل و ایران هیچ‌کدام به گزارش وال استریت ژورنال واکنش یا پاسخی ندادند.

در گذشته اسرائیل کشتی‌ها را به اتهام حمل سلاح ایرانی کاملاً تصرف و سرنشینان آن را بازداشت می‌کرد. نمونه آن عملیاتی است که توسط کماندوهای نیروی دریایی اسرائیل با تصرف کشتی «کارین آ» در سال ۲۰۰۲ که به سمت غزه حرکت می‌کرد و یا کشتی «فرانکوف» و کشتی «کلوز سی» که در راه لبنان بودند در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴، انجام داد.

اسرائیل همچنین در سال ۲۰۱۰، با حمله به کشتی آزادی که برای شکستن محاصره غزه تلاش می‌کرد از همین روش استفاده کرد. در تمام این حملات اسرائیل، هماهنگی‌هایی با کشورهای غربی انجام داده، و استدلال می‌کرد که موفقیت جمهوری اسلامی ایران در ارسال این کشتی‌ها به مقصد به معنای رساندن پول و اسلحه برای کسانی است که درصدد اقدامات تروریستی علیه اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه هستند.

عاموس هرئیل خاطرنشان کرد، دو سال و نیم پیش، سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیلی و غربی راه‌ها و مسیرهای قاچاق نفت ایران که توسط نفتکش‌های بزرگ از مبدا بنادری در جنوب ایران انجام می‌شد، را کشف کردند.

وی همچنین تاکید کرد که این سرویس‌های جاسوسی معتقدند که این نفتکش‌ها و همچنین سایر کشتی‌ها ایرانی برای تأمین بودجه مالی حزب‌الله نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

قابل ذکر است که «وال استریت ژورنال» به نقل از مقامات آمریکایی و منطقه‌ای اظهار داشت که حملات اسرائیل ۱۲ تانکر نفتی ایران را که به سوریه در حرکت بودند، طی مدت دو سال گذشته هدف قرار داده است. اسرائیل بر این باور است ایران از طریق ارسال محموله‌های این کشتی‌ها برای تأمین مالی شبه‌نظامیان اقدام می‌کند.

وال استریت ژورنال می‌نویسد، بر ملا شدن عملیات اسرائیل علیه نفتکش‌های ایرانی، ابعاد تازه‌ای از اقدامات تل آویو علیه تحکیم موقعیت نظامی و اقتصادی تهران در منطقه را آشکار می‌کند. اسرائیل از سال ۲۰۱۸ تا کنون، ده‌ها حمله هوایی به مواضع نیروهای ایرانی یا گروه‌های شبه‌نظامی تحت نفوذ ایران در سوریه یا انبارهای سلاح آن‌ها انجام داده است.

محافل نظامی در منطقه به وال استریت ژورنال گفته‌اند که ایران به طور معمول، مقصد واقعی محموله نفتکش‌ها را اعلام نمی‌کند، تانکرهای قدیمی و اسقاط شده را به کار می‌گیرد و گاهی اوقات نیز نفت را از یک کشتی به کشتی دیگر منتقل می‌کند.

به هر حال، مسأله این است که در صورت بروز هر گونه درگیری، جمهوری اسلامی ایران مجبور خواهد شد با یکی از تواناترین ارتش‌های جهان و حامیان آن مواجه شود. اسرائیل سلاح‌های مخربی در اختیار دارد:

اسرائیل ۱۹ فروند اف ۳۵- از امریکا خریداری کرده است. قابلیت آن در پنهان شدن از رادارها است و اف ۳۵ توانایی حمل بمب ندارد. اسرائیل مجهز به جت جنگنده‌ای با قابلیت پنهان شدن از روی رادار است که می‌تواند به سادگی به دفاع هوایی ایران نفوذ و با اسلحه‌های هدفگیری دقیق به تاسیسات هسته‌ای حمله کند. گزارش‌هایی هم منتشر شده مبنی بر این‌که اف ۳۵ های اسرائیل قابلیت حمل سلاح هسته‌ای دارند.

بر خلاف اف ۳۵، نمونه اسرائیلی از جنگنده‌های عقاب اف ۱۵ جنگنده‌های مشهور با توانایی‌های قابل توجه هستند. این جت‌ها به راکت‌های پیتون هوا به هوا و پوی هوا به زمین و همچنین سلاح‌های الکترونیکی مجهز هستند و به طور قطع توانایی مواجهه با جت‌های میگ ۲۹ اس و میراژ و نمونه‌های قدیمی‌تر اف ۱۴ و اف ۴ ایران را دارند. اسرائیل در عملیات حمله از راه دور همچون حملات در سودان علیه کارخانه‌های تسلیحات و کامیون‌های حمل سلاح برای حزب‌الله و حماس کاملاً کارکشته است. فاصله بین تل‌آویو و خارطوم تقریباً ۲۵۰۰ کیلومتر و از فاصله بین تل‌آویو و تهران خیلی بیش‌تر است. البته بمباران سودان برای اسرائیل خیلی ساده‌تر از ایران بود، چرا که سودان به سامانه دفاع هوایی پیچیده ایران مجهز نبود. اما به هر حال، جنگنده‌های اف ۱۵ آی هواپیماهای قابل‌هستند و در هر گونه حمله احتمالی اسرائیل علیه ایران در خط مقدم خواهند بود.

اگرچه این راکت‌های جمهوری اسلامی ایران است که در خاورمیانه بیش‌ترین توجه را به خود جلب کرده، اما لازم به ذکر است که اسرائیل نیز راکت‌های بالستیک مختص خود را دارد. طبق گزارش‌های منتشر شده، راکت‌های سه مرحله‌ای جریکو ۳ قابلیت حمل کلاهکی ۲۰۰ تنی را دارند و راکتی با برد متوسط به شمار می‌روند. یک راکت جریکو ۳ با سوخت جامد که امکان پرتاب سریع آن در صورت نیاز وجود دارد، به طور قطع قادر به حمل یکی از آن کلاهک‌های هسته‌ای که اسرائیل هرگز به مالکیت آن اعتراف نکرده، خواهد بود. چنین راکت‌هایی یا دست‌کم آن‌هایی که قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای متعارف را دارند، احتمالاً به اندازه کافی برای هدفگیری تاسیسات تحقیقات هسته‌ای دقیق نیستند. اسرائیل در پی نگرانی از برانگیختن واکنش بین‌المللی تا زمانی که شرایط حقیقتاً ایجاب نکند، از پرتاب چنین راکتی خودداری خواهد کرد. با این حال، برای جمهوری اسلامی بهتر است که علاوه بر جت‌های جنگنده اسرائیلی، خطر بالقوه راکت‌های قدرتمند اسرائیلی را نیز در نظر بگیرد.

اسرائیل اخیراً پنجمین زیردریایی دیزلی کلاس دلفین ساخت المان را نیز دریافت کرده است. زیردریایی چهارم و پنجم به علاوه ششمی که در حال ساخت است، به سیستمی مجهز است که امکان معلق ماندن آن زیر آب برای مدت زمانی طولانی‌تر از زیردریایی‌های دیزلی قبلی را فراهم می‌آورد. این زیردریایی‌ها علاوه بر قابلیت‌های ضد زیردریایی و ضد کشتی، همچنین به راکت‌های کروز هسته‌ای مجهز هستند. این زیردریایی‌های اسرائیلی به قدرتمندی زیردریایی‌های بریتانیایی یا امریکایی نیستند؛ اما ایران هم قابلیت‌های ضد زیردریایی قابل‌توجهی ندارد و حتی در صورت داشتن چنین قابلیت‌هایی، نمی‌تواند از آن‌ها در شرق دریای مدیترانه یا دریای سرخ که زیردریایی‌های اسرائیل می‌توانند در آن‌جا مستقر شوند و همچنان در محدوده مناسب برای شلیک راکت به ایران باشند، استفاده کند. دلفین‌های اسرائیلی همانند زیردریایی‌های مجهز به راکت امریکا یک قابلیت حمله ثانویه هم دارند که در صورت حمله ناگهانی احتمالی به تسلیحات هسته‌ای اسرائیل، می‌توانند از آن استفاده کنند.

اسرائیل اخیراً راکت پیکان ۳ را مورد آزمایش قرار داده که با هدف تخریب راکت‌های بالستیک طراحی شده است. با توجه به مشکلاتی که امریکا در ردیابی موفقیت‌آمیز راکت‌ها داشته، مشخص نیست که ردیاب‌های پیکان قابلیت ردگیری راکت‌های بالستیک ایران را داشته باشند یا خیر. اما این تنها بخشی از معادله است. درست همانند دوران جنگ سرد، در رابطه با بازدارندگی هسته‌ای هم هیچ قطعیتی وجود ندارد. ایران بدون شک می‌تواند با شلیک شمار زیادی از

راکت‌ها دفاع راکتی اسرائیل را در هم بشکنند، اما سامانه پیکان به این معنی است که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به طور قطع از شمار راکت‌هائی که به هدف می‌خورند، مطمئن باشد. تاثیر این مسأله شاید بیش‌تر روانی باشد تا فیزیکی، اما به هر حال قابل توجه است.

نهایتاً مؤسسه تحقیقات امنیت داخلی اسرائیل در کنفرانس سالانه خود که سه‌شنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱ برگزار شد سناریوئی احتمالی را مطرح کرد که مربوط به پاسخ جمهوری اسلامی ایران بود که احتمالاً می‌تواند منجر به یک جنگ بزرگ در خاورمیانه شود. این جنگ میان محوری متشکل از ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان در مقابل اسرائیل، امریکا و امارات خواهد بود. بر اساس این سناریوی خیالی این جنگ با شلیک ۶ راکت در ساعت ۴:۳۰ بامداد از غرب عراق به سمت اراضی اشغالی آغاز می‌شود. یکی از این راکت‌ها از پدافند هوائی اسرائیل عبور کرده و مستقیماً به یک ساختمان بلند در تل‌آویو برخورد می‌کند که به دنبال آن سه اسرائیلی کشته و ۳۰ نفر دیگر زخمی می‌شود.

این مؤسسه اسرائیلی در شبیه‌سازی حمله محور ایرانی ضد مواضع اسرائیلی‌ها اعلام کرد که این حمله تنها بخشی از یک سری عملیات‌ها علیه اهداف اسرائیلی و امریکائی و سایر مواضع در خاورمیانه است. طبق سناریوی مذکور همزمان با راکت‌هائی که از سمت عراق به اسرائیل پرتاب می‌شوند یک سری راکت‌ها نیز به سمت سفارت امریکا در بغداد شلیک می‌شوند که در پی آن یک تفنگدار امریکائی کشته خواهد شد. همچنین یکسری تیراندازی‌ها در پیاده‌روهای دبی به یک مرکز تجاری بزرگ ویژه گردشگران به ویژه علیه اسرائیلی‌ها صورت خواهد گرفت که در نتیجه آن ۱۰ اسرائیلی، ۸ امریکائی و ۸ شهروند محلی امارات کشته می‌شوند. در این جنگ جنبش انصارالله یمن نیز مشارکت دارد و راکت‌های دقیقی را علیه اهدافی در عربستان سعودی پرتاب می‌کند که برخی راکت‌ها نیز به سمت تاسیسات روغن در شهر جده در ساحل دریای سرخ شلیک می‌شود. از جانب اسرائیل نیز حملات گسترده‌ای ضد اهداف ایرانی در سوریه و عراق انجام می‌شود که تلفات جانی میان ایرانی‌ها و نیروهای حزب‌الله لبنان بر جای خواهد گذاشت. در پاسخ به این حملات حزب‌الله در مرحله اول راکت‌هائی به سمت شمال اسرائیل شلیک می‌کند. به دنبال آن اسرائیل به اهدافی در لبنان حمله می‌کند و ۳۰ غیرنظامی را می‌کشد که حزب‌الله با گسترش راکت‌باران تل‌آویو با کشتن دوازده غیرنظامی اسرائیلی به این حملات پاسخ می‌دهد.

بر اساس این سناریو اسرائیل همچنین دوباره با یک حمله گسترده پاسخ حزب‌الله را می‌دهد اما در تلاش است از وخیم‌تر شدن اوضاع به سمت یک رویارویی و جنگ گسترده جلوگیری کند. در این میان امریکا نیز به عنوان بخشی از این سناریو پیام‌هائی را در محکومیت این حملات و نیز بالا بردن آمادگی نیروهای خود در خلیج فارس و رایزنی با روسیه و چین ارسال می‌کند. امریکا همچنین درباره ادامه حملات نیروهای وابسته به ایران علیه عناصر امریکائی هشدار خواهد داد. اما در عین حال و زمانی که ایران اهداف امریکا در عراق را مورد هدف قرار می‌دهد امریکا هیچ اقدام تهاجمی علیه ایران انجام نداده و در وهله اول به سمت خلیج فارس و نه جنگ میان اسرائیل و حزب‌الله توجه خواهد کرد. بر اساس گزارش شبکه ۱۲ اسرائیل در ادامه سناریوئی که مؤسسه تحقیقات امنیت داخلی اسرائیل طراحی کرده در توانائی ایالات متحده برای فعال‌سازی مکانیزمی جهت پایان دادن به این جنگ تردید وجود دارد. درباره روسیه این فرصت برای «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری این کشور به وجود می‌آید که موقعیت خود را به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کرده و بتواند با همه طرف‌های درگیر در این جنگ صحبت و دیپلماسی شدید را با آن‌ها فعال کند.

درباره ایران این‌گونه پیش‌بینی می‌شود که این کشور برای جلوگیری از دو پیامد منفی در این جنگ، کنترل شده عمل خواهد کرد: حمله به اهدافی در خاک این کشور و تضعیف نیروی راکتی حزب‌الله لبنان که هدف آن جلوگیری از حمله اسرائیل به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران است.

طبق گزارشات در این سناریو اشاره شده که تمایل ایران به رویکرد محتاطانه در این جنگ مانع از حمله به خاک این کشور می‌شود اما نمی‌تواند مانع از عملیات حزب‌الله علیه اسرائیل شود. درباره امارات متحده عربی هدف اول این کشور جلوگیری از حمله به خاک آن است و مقامات اماراتی هنگام آغاز این جنگ از شورای امنیت سازمان ملل درخواست می‌کنند تا این حملات را محکوم کنند. امارات همچنین با هماهنگی عربستان و بحرین در صدد پاسخ به انصارالله و مورد هدف قرار دادن مواضع حوثی‌های یمنی‌ها بر خواهد آمد. در این زمینه «اودی دیگل» افسر ذخیره ارتش اسرائیل اعلام کرد که در سفر اخیر مقامات ارشد مؤسسه تحقیقات امنیت داخلی اسرائیل به امارات وی برای اماراتی‌ها روشن کرد که دیگر فرصتی برای رویاپردازی و این‌که هواپیماهایی برای حمله به ایران از امارات بلند شوند وجود ندارد. بنابراین در این میان سؤالی مطرح می‌شود مبنی بر این‌که توافق‌نامه عادی‌سازی روابط میان امارات و دولت اسرائیل در زمینه همکاری‌های امنیتی چه نقشی دارد.

«ایتای بارون» افسر ذخیره ارتش اسرائیل درباره این سناریو اظهار داشت که نحوه استقرار حزب‌الله لبنان و قابلیت‌های راکتی آن خسارت گسترده‌ای به محیط غیرنظامی اسرائیل وارد خواهد کرد. از سوی دیگر «عاموس یادلین» رئیس مؤسسه تحقیقات امنیت داخلی اسرائیل اظهار داشت، در این شرایط ضروری است که درباره پروژه راکت‌های دقیق حزب‌الله و ضرباتی که ممکن است وارد کند بازنگری کنیم. همچنین «آلون دیوید» کارشناس امور نظامی اسرائیل اخیراً گفت که توانایی راکتی حزب‌الله لبنان می‌تواند سیستم‌های استراتژیک اسرائیل را فلج کند و حزب‌الله قادر است با راکت‌های دقیق خود پایگاه «هکریا» در تل‌آویو مقر وزارت امنیت و ستاد کل ارتش را مورد هدف قرار دهد. این اظهارات کارشناس مذکور اسرائیلی چند روز بعد از این که «سیدحسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله لبنان تأکید کرد راکت‌های دقیق مقاومت از یک سال گذشته تاکنون دو برابر شده و حزب‌الله می‌تواند هر هدفی را در سراسر فلسطین اشغالی به شکل دقیق هدف بگیرد مطرح شد.

در پایان می‌توان تأکید کرد که با توجه به همزمانی سفر وزیر دفاع آمریکا به اسرائیل و سفر رئیس دستگاه اطلاعات اسرائیل به آمریکا با ماجرای انفجار نطنز از یکسو و هدف قرارگرفتن کشتی ساویر ایرانی در شب برگزاری نشست وین و تأکید نیویورک تایمز مبنی بر این‌که اسرائیل حمله به کشتی ساویر را به اطلاع آمریکا رسانده بود احتمالاً مقامات آمریکایی نیز از چنین رخدادهایی ناراضی نیستند.

برنامه هسته‌ای گسترده و پرهزینه‌ای که هیچ چیز برای مردم ایران نداشته است به جز فقر و مخاطرات امنیتی و انزوای بین‌المللی و تحریم‌های کمرشکن، امروز تبدیل به تهدیدی برای امنیت ملی ایران و جهان نیز شده است. اکثریت شهروندان جامعه ایران که به نوعی اسیر یک حکومت مستبد و خشونت‌طلب هستند، بدون آن که نظرشان پرسیده شود، بایستی ناظر جهالت و جنگ‌طلبی حکومتی باشند که به هیچ چیز به جز بقای حاکمیت تبه‌کار و مافیائی خود نمی‌اندیشد.

در حالی که جمهوری اسلامی با معرفی نسل جدیدی از سانتریفیوژها و سرعت بخشیدن به برنامه هسته‌ای میلیاردها دالری خود، اکنون قصد دارد غنی‌سازی اورانیوم را تا ۶۰ درصد افزایش دهد.

جمهوری اسلامی در تلاش است تا زیر پا گذاشتن تعهدات برجامی رقبایش را مرعوب کند در حالی که اقدامات تحریک‌آمیزش، بسیار خطرناک است.

مردم ایران اطلاع درستی از هدف نظام بابت خرج گزافی که در برنامه هسته‌ای پیش می‌برد ندارند، نه به درستی میزان مخارج شفاف‌سازی شده است و نه توضیحی درباره علت گسترده کردن غنی‌سازی بالای ۲۰ درصد و اکنون زمره ۶۰ درصد و داشتن سانتریفیوژهای پیشرفته داده نشده است.

وضعیت فعلی برنامه هسته‌ای ایران با ادعای صلح‌آمیز بودن آن مغایرت دارد و تنها باعث ایجاد نگرانی بیشتر در منطقه و جهان شده است.

هیچ‌گونه شفاف‌سازی درباره ترور محسن فخری‌زاده داده نشده است. او چگونه و به چه وسیله کشته شد و نقش وی در برنامه هسته‌ای نظامی جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟

انفجار در تاسیسات هسته‌ای نطنز با مواد انفجاری انجام گرفته یا عملیات سایبری و نتیجه تحقیقات گروه کارشناسی روشن نیست.

زمانی که حکومت حتی حاضر نیست در چنین سطح نازلی اطلاع‌رسانی شفاف داشته باشد، مردم ایران چگونه می‌توانند درباره اتفاقات پیش آمده قضاوت کنند؟

به این ترتیب اگر سران و مقامات جمهوری اسلامی ایران همچنان بر موضع خویش اصرار و پافشاری کنند، مذاکرات وین بی‌نتیجه بماند احتمالاً زمان تسویه حساب جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل خواهد رسید که حتی تصور نتایج آن هولناک است.

سران اسرائیل هرگز نگرانی خود را در مورد برنامه‌های هسته‌ای و راکتی ایران و توافق آمریکا با جمهوری اسلامی پنهان نکرده‌اند. آن‌ها تاکید دارند در صورتی که توافق با ایران به محدودیت برنامه‌های هسته‌ای و راکتی و توقف «برنامه تسلیحاتی» جمهوری اسلامی منجر نشود، از آن پیروی نخواهند کرد و خود برای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران اقدام می‌کنند.

به این ترتیب خاورمیانه آتش تنش‌ها می‌سوزد؛ اما هنوز ترسناک‌ترین درگیری ممکن در منطقه رخ نداده است. اما همچنان چشم‌انداز حمله اسرائیلی به تاسیسات هسته‌ای ایران هم وجود دارد که می‌تواند کل معادلات منطقه را برهم بزند و به بحران‌های عمیق بکشانند. البته احتمالات دیگری هم وجود دارد. شاید یک حمله حزب‌الله لبنان به تلافی از سوی جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل و بعد هم مداخله ایران منجر شود. یا شاید هم ایران و اسرائیل بر سر سوریه با یکدیگر درگیر شوند یا شاید مسأله فقط یک اشتباه محاسباتی و یا تصادفی باشد تا فاجعه‌ای بس عظیم و بزرگ در خاورمیانه با محوریت دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران آغاز شود و تر و خشک را با هم بسوزاند!

در چنین روندی و در حالی که ایران با بحران‌های عدیده اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک به ویژه اپیدمی ویروس کرونا دست و پنجه نرم می‌کند آیا «رهبر» در حال چانه‌زدن با امام زمان است تا زودتر ظهور کند و یا در حال یک نرمش قهرمانانه دیگر و یا در حال آماده کردن جام زهر برای سر کشیدن!

سه‌شنبه بیست و چهارم فروردین [حمل] ۱۴۰۰ - سیزدهم اپریل ۲۰۲۱